

دگرذیسی و تکامل مرحله ای قراردادهای بین المللی نفتی بیع متقابل در بستر حقوق ایران

میر شهبیز شافع^۱فتح الله رحیمی^۲

چکیده:

قراردادهای بین المللی نفتی بیع متقابل، بعنوان مهمترین ابزار جذب سرمایه خارجی منطبق با قوانین ایران، قریب به دو دهه مبنای روابط تعاملی حقوقی بین ایران و شرکتهای نفتی سرمایه گذار است که با وجود انتقادهایی که به آن شده، منشاء خدمات زیادی در حوزه صنعت نفت گردید. این ساختار حقوقی بتدریج تکامل یافته، بگونه ای که امروزه نسل چهارم آن در حال رونمایی است. در این مسیر قانونگذار ایران با هوشمندی لازم استفاده از این قرارداد را علاوه بر مرحله اکتشاف و توسعه، برای مرحله بهره برداری و تولید نیز تجویز نموده تا با تغییرات محتوایی آن بتواند در شرایطی که کشور نیازمند سرمایه گذاری خارجی است، با استفاده بیشتر از منابع خارجی در جهت بهره برداری از منابع نفتی بخصوص در میادین مشترک و در شرایط دشوار تأمین مالی بهره مند گردد.

در مقاله حاضر تلاش شده به روش تحلیلی و با استقراء موارد به موضوع پرداخته شده و با ایضاح نقاط قوت و ضعف استفاده از این قرارداد نفتی در هر نسل آن، یک پژوهش کاربردی در خصوص ظهور، دگرذیسی و تحول مرحله ای بیع متقابل در حقوق ایران در بستر قانونگذاری ارائه شده و در تبیین عوامل مؤثر در تکامل تدریجی این قرارداد بین المللی نفتی، علل رجوع به این شیوه از قراردادها در حقوق ایران تشریح گردد.

کلید واژه: بیع متقابل - تکنولوژی - سرمایه خارجی - قانون - اکتشاف - توسعه - بهره برداری (تولید)

^۱- استادیار گروه حقوق بین الملل دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

^۲- دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی Rahimif_law@yahoo.com www.SID.ir

مقدمه

انرژی حاصل از نفت و گاز در برهه ای از تاریخ ملل سبب تحوّل شگرف در زندگی بشر و نتیجتاً صنعتی شدن جوامع گردید. از آنجا که غالباً مردم صاحب این منابع ارزشمند فاقد تکنولوژی و سرمایه لازم برای بهره برداری بوده اند، لاجرم مبادرت به انعقاد قراردادهایی با شرکتهای خارجی صاحب نام در این عرصه می نمودند تا از این مهمترین مصداق ثروت عمومی استفاده نمایند. طرف مقابل نیز در جهت کسب منافع بیشتر خود از طریق انعقاد قراردادهایی اقدام می کرد که غالباً متضمّن مراعات مصالح ملّی ملل صاحب منابع نفتی نبوده و فرصتی را نیز برای مداخله آنان در شئون سیاسی این ملّتها فراهم می کرده است؛ لذا در راستای اعمال حق مالکیت ملّتها بر این منابع، بتدریج قراردادهای نیز به سمتی حرکت کرده که حافظ منافع ملّی آنان باشد؛ کماینکه در ایران نیز با لحاظ سابقه تلخ تاریخی که از این رهگذر در اذهان وجود داشت، آرام آرام قراردادهای نفتی از حق الامتیاز به مشارکت در تولید و سرمایه گذاری و نهایتاً با لحاظ محدودیت های قانونی، به سمت قراردادهای بیع متقابل حرکت نمود.

بنا به ضرورت استفاده از قراردادهای بین المللی نفتی بیع متقابل بعنوان ساز و کار خاصی که مبتنی بر معیارهای قانونی ایران است، قانونگذار نیز با توجه به پیشینه تاریخی قراردادهای نفتی و آثار آن بر سرنوشت سیاسی ملّت و منابع و ثروت های عمومی مربوط، تلاش کرده در مسیری حرکت نماید تا با لحاظ اعمال مالکیت بر منابع طبیعی، ضمن استفاده از قراردادهای نفتی که آسیب کمتری بر اقتصاد و سیاست کشور دارند، بویژه در شرایط ناهموار سیاسی بین المللی، منافع بیشتری برای توسعه کشور به ارمغان داشته باشد. از این رو نگرش خود را درباره بهره برداری از منابع طبیعی زیرزمینی، از شیوه اعطای امتیاز به خارجیان و تسلّط و یا حتّی سهمین شدن آنان در استخراج و بهره برداری از منابع نفت، به سمت قراردادهایی که بصورت پیمانکاری و خدماتی با حفظ مالکیت کامل دولت بر منابع نفتی کشور می باشند، بتدریج تغییر داده است.

بهر حال توسعه صنعت نفت، محتاج سرمایه گذاری و استفاده از سرمایه و تکنولوژی خارجی بمنظور تسریع در اجرای برنامه های توسعه ای نیز مقتضی انعقاد قراردادهای مربوط است و در این میان قراردادهای بین المللی نفتی بیع متقابل نقشی شگرف ایفاء می کنند تا بخشی از سرمایه مورد نیاز و تکنولوژی مناسب در خدمت صنعت نفت قرار گیرد.

سرمایه گذاری کلان برای توسعه میادین نفتی به ویژه میادین مشترک از یکسو و محدودیت سرمایه داخلی و توسعه نیافتگی صنعت نفت و تعجیل همسایگان در برداشت از مخازن مشترک و محدودیت های قانونی، ضرورت انعقاد قراردادهای بین المللی نفتی به روش بیع متقابل را بعنوان بهترین روش سرمایه گذاری خارجی در توسعه صنایع نفت و گاز هر دولت صاحب منابع نفتی توجیه می نماید.

۱- قراردادهای بیع متقابل در گذر زمان

تجارت متقابل نخستین بار پس از جنگ جهانی اول در دوران جمهوری وایمار^۱ آلمان رایج شد. این کشور در شرایطی که پول ملی بر اثر بی ثباتی بیش از حد، نمی توانست وسیله مبادلات خارجی قرار گیرد، به شیوه تجارت متقابل متوسل شد و به این ترتیب، توانست اقتصاد خسارت دیده از جنگ را دوباره به حالت عادی بازگرداند. سایر کشورهای اروپایی نیز سیستم تهاتری و ترتیبات تسویه بین المللی را بعنوان وسیله ای برای کمک به بهبود اوضاع اقتصادی بعد از جنگ، بکار گرفتند.^۲

بیع متقابل در عصر حاضر نیز معطوف به نوع خاصی از قراردادهای بین المللی است که قریب به سه دهه قبل در کشورهای اروپای شرقی ظهور کرد. این کشورها با توجه به شرایط اقتصادی نامناسب از جمله فقد توازن تجاری با غرب، افزایش بدهی های خارجی و محدودیت کالاهای صادراتی و تضمین کننده درآمد ارزی و نیاز به ادامه واردات کالاهای اولویت دار، به بیع متقابل روی آوردند.^۳

این فشارهای اقتصادی اکنون در کشورهای در حال توسعه نیز بعلت محدودیت منابع ارزی برای روزآمد کردن صنایع مربوط سبب رجوع به بیع متقابل گردید، بگونه ای که بنظر برخی کشورها نظیر اندونزی، مکزیک و برزیل بیع متقابل اگر نخستین ابزار نباشد، دست کم ابزار مهمی برای بهبود موازنه تجاری است. بهر حال، امروزه بیش از ۹۰ کشور جهان با اهداف متفاوت از جمله صرفه جویی ارزی، افزایش صادرات، کسب بازارهای جدید و دسترسی به فناوری پیشرفته، بخشی از تجارت خود را در قالب بیع متقابل انجام می دهند.^۴

قراردادهای بین المللی بیع متقابل، شاخص ترین ابزار حقوقی در بهره برداری از منابع ملی و ثروتهای عمومی توسط ملت‌ها و بارزترین چهره اعمال حق تعیین سرنوشت^۵ است؛ زیرا این منابع از طریق انعقاد قرارداد با شرکتهای خارجی بدون واگذاری مالکیت منابع طبیعی به بیگانگان، مورد استفاده کشور صاحب منابع طبیعی قرار می گیرد.^۶

^۱ - جمهوری وایمار به نظام حکومتی آلمان طی سالهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳ میلادی اطلاق می شود که در دوره تاریخی حد فاصل پایان جنگ جهانی اول تا روی کار آمدن حکومت نازی ها در آلمان جریان داشت. جمهوری وایمار اولین تلاش برای ایجاد مردم سالاری در آلمان بود که توسط سیاستمداران آلمانی در شهر وایمار مورد اجماع قرار گرفت.

^۲ - کلاویام، اشمیتوف - "حقوق تجارت بین الملل"، ترجمه شده زیر نظر دکتر بهروز اخلاقی، انتشارات سمت، چاپ ۱۳۹۰، جلد اول

^۳ - اصغر زاده، عبدالله - "آشنایی با تجارت متقابل" - موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی - ۱۳۷۴

^۴ - Groenendaal, Willem J.H. van, Mohammad, Mazraati, (۲۰۰۶), "A Critical Review of Iran's Buyback Contracts," Energy Policy, ۳۴, ۳۷۰۹-۳۷۱۸

^۵ - Self Determination

^۶ - حق تعیین سرنوشت بعنوان اصل اساسی حقوق بین الملل مشعر بر احترام به حقوق ملت‌ها در تعیین ساختار سیاسی حکومت و اعمال حاکمیت بر سرزمین و منابع طبیعی خود بدون هرگونه اجبار یا مداخله خارجی می باشد. این اصل مسبوق به منشور آتلانتیک ۱۴ اوت ۱۹۴۱ است. دهه ۱۹۶۰ اوج فعالیت‌های ملل متحد در جهت اعتلای حق تعیین سرنوشت در بستر استعمارزدایی بود. اعلامیه مربوط به تضمین استقلال مردم و کشورهای تحت استعمار بشماره ۱۵۱۴ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ بیان داشته «همه مردم حق تعیین سرنوشت دارند، به سبب این حق، آنها آزادانه وضعیت سیاسی خود را تعیین و توسعه

۲- تأثیر ملاحظات سیاسی و محدودیت های قانونی بر رجوع به بیع متقابل و نوسازی آن

بیع متقابل، با توجه به کارکرد مطلوب خود در تاریخ حقوق قراردادهای، مؤثرترین شیوه جذب سرمایه خارجی در اقتصاد کشورها است؛ لذا به سبب محدودیت های قانونی و اقتصادی، مناسبترین روش حقوقی استفاده از سرمایه های خارجی در بخش نفت و گاز ایران توأم با حفظ مالکیت دولت بر منابع نفتی می باشد.

محدودیت های بین المللی از جمله تحریم های اقتصادی، هزینه های قراردادهای نفتی ایران را بطور نسبی افزایش داده است. مع الوصف، نظر به اینکه در صحنه بین المللی، ریسک مّلی از جمله عوامل تعیین کننده از نظر سرمایه گذاران خارجی می باشد؛ با لحاظ فقدان جایگاهی مطلوب برای ایران از حیث رتبه بندی ریسک مّلی مبتنی بر گزارشات موسسه معتبر تحقیقات اکونومیست و اجتناب شرکتهای خارجی از سرمایه گذاری^۱، تحریم خرید نفت از سوی آمریکا بموجب دستور اجرایی رونالد ریگان رئیس جمهور وقت آمریکا و متعاقباً تصویب قانون «داماتو»^۲ و آگاهی شرکتهای بزرگ نفتی از نیاز ایران به سرمایه های خارجی و همچنین عدم پذیرش ریسک تحریم از سوی سرمایه گذاران غیر آمریکایی، قدرت چانه زنی ایران در مناقصه و انعقاد قراردادهای بخش نفت و گاز کاهش یافته است.^۳ این وضعیت به مرور زمان با افزایش تحریمهای بین المللی و گستره آن تشدید نیز گردیده است.

فرهنگی، اجتماعی و اقتصادیشان را تعقیب می نمایند» این اعلامیه فرمانبرداری مردم و انکار حقوق اساسی انسانها را نفی کرده و خواستار اتخاذ اقدامات ضروری برای دستیابی مردم به حق تعیین سرنوشت خود بدون هیچ قید و شرطی است. احترام به تمایلات و آرمانهای ملتها، بعنوان اصل دموکراتیک حق تعیین سرنوشت، معطوف به رضایت مردم در تمامی دولتهای برخوردار از حاکمیت است که تقریباً در تمامی حیطه های حقوق سیاسی و مدنی و حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مطرح می شود. این حق با خاتمه جنگ جهانی دوم در بند ۲ ماده ۱ و ماده ۵۵ منشور ملل متحد قید شده و مبنایی حقوقی برای تغییر نقشه "جهان سوم" پس از ۱۹۴۵ گردید. رک. "Permanent Sovereignty Over Natural Resources and Wealth", The American Journal of International Law, Vol. 50, (No) ۲۶۲۵ در ضمیمه قطعنامه شماره ۲۶۲۵ سال ۱۹۷۰ نیز مورد عنایت ملل متحد قرار گرفت. این اصل مضاف بر این اسناد نرم حقوقی، (Soft Law Documents) بطور خیلی شفاف و الزام آور در ماده اول هر دو میثاق بین المللی حقوق بشر سازمان ملل متحد (۱۹۹۶) درج گردید. علاوه بر این، سران دولتها و کشورها در هزاره جدید از ۶ تا ۸ سپتامبر ۲۰۰۰، در مقرّ سازمان ملل متحد در نیویورک بار دیگر بر اعتقاد خود بر این سازمان و منشور آن بعنوان بنیانهای ضروری دنیایی مسالمت آمیز تر، کامیاب تر و عادلانه تر صحّه گذاشتند و در بند ۴ اعلامیه هزاره ۲۰۰۰ بر تعهد خود در مورد پشتیبانی از «...حق تعیین سرنوشت اقوامی که همچنان تحت سلطه اشغال و استعمار خارجی هستند...» تأکید نمودند.

^۱ - T.N Machmud (1994), "Intrnational Oil And Gas Investment Moving Eastward", edited by Tomas Wald, Graham and Tortman.

^۲ - Keddie, Nikki R. [2003-10-01]. «Politics and Economics in Post-Khomeini Iran», Modern Iran: Roots and Results of Revolution. Yale University Press, 265. ISBN 0-300-09856-1. "the Clinton administration, under pressure from Congress and the pro-Israeli lobby, announced a total embargo on dealings with Iran in April 1995. Trade with the United States, which has climbed after the war, virtually ended."

^۳ - علیرغم تحریم های آمریکا علیه ایران، دولت توانسته از رهگذر انعقاد قراردادهای بیع متقابل حدود ۲۰ میلیارد دلار در بخش نفت و گاز سرمایه خارجی جذب نماید و شرکتهای سرمایه گذاری خارجی نیز از محل استحصال و فروش تولیدات نفت و گاز اصل سود خود را برداشت نمایند.

تحریم‌های شورای امنیت در قالب قطعنامه‌های ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، و ۱۸۰۳ که مأخوذ به فصل هفتم منشور سازمان ملل تحت عنوان «تهدید و یا نقض صلح در جهان» وضع شده^۱ همراه با قانون تحریم ایران که کنگره آمریکا وضع کرده و در ماه دسامبر ۲۰۱۶ منقضی می‌شود^۲ و سایر اقدامات اجرایی و تقنینی ایالات متحده و نیز تحریم‌هایی که کانادا و اتحادیه اروپا وضع نمودند، سبب‌کننده اقدامات توسعه‌ای ایران در برخی صنایع بخصوص در حوزه نفت، گاز و پتروشیمی گردیده است.

اتحادیه اروپا که اولین تحریم خود را در بهمن سال ۱۳۸۶ (فوریه ۲۰۰۷) نسبت به برنامه‌های نظامی ایران تصویب نموده بود، در سال‌های بعد، حمل و نقل هوایی و دریایی، معاملات بانکی، فروش نفت و سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز ایران را نیز مشمول تحریم قرار داد. در این راستا بانک لامبرت بروکسل در بلژیک^۳، بانک کردیت سوئیس^۴ و بانک دویچ آلمان^۵ معاملات ارزی با ایران را در سال ۲۰۰۸ قطع نمودند.^۶ فی الواقع متعاقب گزارش یوکیا آمانو، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که همراه با جزئیاتی از جنبه‌های احتمالی تلاش ایران برای ساخت تسلیحات هسته‌ای بود، توافق‌های جدیدی بین غرب و ایالات متحده آمریکا در خصوص تحریم علیه نظام بانکی، صنایع پتروشیمی، نفت و گاز ایران صورت گرفت. بریتانیا کلیه تبادلات مالی خود را با همه بانک‌های ایران از جمله بانک مرکزی بطور کامل قطع کرده است. ایالات متحده آمریکا تاکنون تحریم صنعت نفت و پتروشیمی را قطعی اعلام و کانادا نیز از تحریم اقتصادی حمایت و صادرات تجهیزات مربوط به این صنایع را ممنوع کرد. فرانسه از محدودیتهای جدید علیه نظام بانکی و صنایع انرژی ایران اعم از نفت، گاز و پتروشیمی استقبال کرد و از اروپا، ژاپن، کانادا و ایالات متحده آمریکا نیز خواست که دارایی‌های بانک مرکزی ایران را مسدود و معاملات نفتی با ایران را قطع کنند.^۷

بنابراین، همانگونه که ملاحظه می‌شود، استراتژی تحریم، رشد اقتصادی و صنعتی ایران را متوقف، سرمایه‌گذاری‌های خارجی را محدود، ریال را ضعیف، نرخ تورم را چند برابر کرده و تولید و صادرات نفت و گاز را کاهش داده و نتیجتاً راه جذب سرمایه خارجی را ناهموار و سرمایه‌گذاری و توسعه را بسیار دشوار نموده است.

علی‌ایحال نظر به اینکه قرارداد بیع متقابل، نوعی قرارداد خدمت^۸ است که در کشورهایی که قوانین آنها هرگونه مالکیت بخش خصوصی یا خارجی را در صنعت نفت منتفی می‌دانند، مورد استفاده قرار می‌

^۱ -UNSC's resolutions against nationalization of Iran oil

^۲ - Iran Sanctions Act (ISA)

^۳ - Banque Bruxelles Lambert

^۴ - Credit Suisse

^۵ - Deutsche Bank

^۶ - Justyna Pawlak. "Insight: How European courts are dismantling sanctions on Iran". REUTERS, 15 July 2013. Retrieved 15 July 2013.

^۷ - Haidar, J.I., 2014. "Sanctions and trade diversion: Exporter-level evidence from Iran," Paris School of Economics, Mimeograph

^۸ - Service Contract, the primary meaning of a contract, it is a contract offered or made by a retailer for maintaining and repairing a product beyond its manufacturer's warranty coverage. But in a legal sense, it is a contract that is a long-term contractual framework that governs the relation between a host government and international oil companies (IOCs) in ... It's a contracts between host governments and international oil ... Ghandi, Abbas and G-Y.

گیرد؛ لذا شرکت سرمایه گذار خارجی عهده دار تأمین سرمایه و همچنین نصب تجهیزات و راه اندازی و انتقال تکنولوژی است و پس از راه اندازی، به کشور میزبان واگذار می کند. بازگشت سرمایه و همچنین سود سرمایه از طریق فروش محصولات بدست می آید.^۱

علاوه بر مراتب معنون، ملاحظات حقوقی که در قراردادهای بیع متقابل وجود دارد، بطور مشخص آنرا از حیث مباحث حقوقی حائز اهمیت می کند. طبق این قرارداد کشور صاحب منابع هیدروکربوری حاکمیت و مالکیت کامل بر آن داشته و هرگونه مشارکت با خارجیان منتفی است. قوانین کشور صاحب منابع نفتی بر قرارداد و همچنین بر حکمیت در مواقع حدوث اختلاف و قوانین پولی کشور صاحب منابع نفتی نیز بر روابط ارزی فیما بین حاکمیت دارد.^۲

با اعمال حق مالکیت و حاکمیت کشور بر تولید نفت و گاز و کنترل و نظارت فنی و مالی بر قرارداد بیع متقابل و اجرای پروژه، بازپرداخت هزینه های پیمانکار، صرفاً از محل تولید مخزن موضوع قرارداد صورت می پذیرد و در هر حال بانک مرکزی یا دولت بازپرداخت این هزینه ها را تضمین نمی کند. در این نوع قرارداد، مشارکت فنی، مهندسی و ساختمانی داخلی باید به حداکثر برسد و پیمانکار ضمن آنکه موظف به انتقال تکنولوژی و آموزش به داخل کشور است؛ متعهد می باشد بالاترین ضریب برداشت با ملاحظات فنی و حفظ مخزن را تأمین نماید.

علی القاعده در انعقاد قراردادها راجع به ذخایر و منابع طبیعی منجمله نفت و گاز رعایت چارچوبهای معینه قانونی ضروری است. این الزامات قانونی شامل قانون اساسی^۳، قانون نفت^۴، قوانین برنامه های توسعه^۵ و احکام و تکالیف بودجه ای^۶ می باشد.

Cynthia Lin (2014) Oil and Gas Service Contracts Around the World: A Review. Energy Strategy Reviews in press. UNIVERSITY OF CALIFORNIA, DAVIS- available on Gradworks.-

^۱ - M. Sonarajah (2004), "The International Law on Foreign Investment", Second Edition, Cambridge University Press

^۲ - صادقی، جوانمرد- "جنبه های حقوقی قراردادهای سرمایه گذاری بیع متقابل"، مجله پژوهش های حقوقی، سال سوم- چاپ ۱۳۸۳.

^۳ - بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی، بخش دولتی محور اقتصاد ایران است و شامل تمام صنایع بزرگ و مادر از جمله نفت و گاز است که بصورت مالکیت عمومی در اختیار دولت قرار گرفته و بنابراین بخش خصوصی، امکان مالکیت در امور نفت و گاز را ندارد. علاوه بر این، وفق اصل ۸۱ قانون اساسی اعطای امتیاز تشکیل شرکتها و موسسات در امور تجاری، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است. بنظر می رسد طبق این اصل، امکان هرگونه سرمایه گذاری مستقیم خارجیان در بخش نفت و گاز وجود ندارد.

^۴ - قانون نفت مصوب ۱۳۶۶

^۵ - اجمالاً احکام قوانین برنامه اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم توسعه..... در زمینه معاملات بیع متقابل عبارتند از: ۱- بند «ی» تبصره ۲۹ قانون برنامه پنج ساله اول توسعه. ۲- بندهای «و» و «م» تبصره ۲۲ و بند «پ»-۳ تبصره ۲۵ قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه. ۳- بندهای «ج»، «د»، «ه» و «و» ماده ۸۵ قانون برنامه سو توسعه. ۴- ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه. مواد ۱۲۵، ۱۲۶ و ۱۲۹ قانون برنامه پنجم توسعه.

^۶ - قوانین بودجه سنواتی در هر سال سقف و میزان قراردادهای بیع متقابل را همراه با ذکر محل اجرای پروژه تعیین می کنند؛ کماینکه از سال ۱۳۷۳ تاکنون قانونگذار در مقام تبیین نحوه انعقاد قراردادهای بیع متقابل و میزان سرمایه گذاری بر آورده است. بنابراین دولت موظف است بر اساس قانون، این قرارداد را در بخش های نفت و گاز تنظیم کند. بعنوان نمونه در

۳- مبانی قانونی بیع متقابل در حقوق ایران

(الف) - ظهور بیع متقابل در قانون نفت

قانون نفت متناوباً در سال های ۱۳۳۶، ۱۳۵۳ و ۱۳۵۶ با فراز و نشیب هایی تصویب شده و راجع به موضوع چگونگی مشارکت خارجیان در بخش نفت و گاز ایران تغییراتی داشته است. قانون نفت مصوب سال ۱۳۳۶ شیوه مشارکت در سرمایه گذاری خارجی را مجاز شناخته، لیکن قانون نفت سال ۱۳۵۳، هرگونه قرارداد مشارکت که متضمن تسلط خارجیان بر منابع و نیز مالکیت نفت استحصالی بر سر چاه باشد را ممنوع و شیوه «خرید خدمت» برای اکتشاف، توسعه و تولید را مجاز اعلام کرده است.^۱

تحقیقاً ظهور بیع متقابل بعنوان قرارداد بین المللی نفتی در ایران، مرهون قانونگذاری از سال ۱۳۵۳ به بعد است. در قانون نفت مصوب ۱۳۵۳ مقرر شده، منابع نفتی و صنعت نفت ایران ملی است و اعمال حق مالکیت ملت ایران در زمینه اکتشاف، توسعه، تولید و بهره برداری از منابع نفتی در سرتاسر کشور و فلات قاره منحصراً بعهده شرکت ملی نفت ایران است که رأساً و یا بوسیله نمایندگی ها و پیمانکاران خود در آن باره اقدام خواهد کرد. این شرکت می تواند بمنظور اجرای عملیات اکتشاف و توسعه نفت در بخش های آزاد نفتی با هر شخص اعم از ایرانی و خارجی وارد مذاکره شود و قراردادهایی را که مقتضی بداند بر مبنای پیمانکاری و با رعایت مقررات و مصراحت این قانون تنظیم و امضا نماید.

پس از انقلاب اسلامی، قانون نفت با ابتدای به قانون اساسی، دچار تغییراتی گردید و بطور مشخص، قراردادهای نفتی نیز با لحاظ نوع نگرش قانونگذار به منابع نفتی، باید متناسب با آن تنظیم و منعقد می شدند. بر این اساس، از آنجا که بموجب ماده ۲ قانون نفت مصوب ۱۳۶۶ منابع نفت کشور جزء انفال و ثروتهای عمومی است، طبق اصل ۴۵ قانون اساسی در اختیار حکومت اسلامی و کلیه تأسیسات، تجهیزات، دارایی ها و سرمایه گذاری هایی که در داخل و خارج کشور توسط وزارت نفت و شرکتهای تابعه بعمل آمده و یا خواهد آمد نیز متعلق به ملت ایران و در اختیار حکومت اسلامی است. اعمال حق حاکمیت و مالکیت نسبت به منابع و تأسیسات نفتی بر اساس مقررات و اختیارات مصرح این قانون بوسیله وزارت نفت و بر طبق اصول و برنامه های کلی کشور صورت می پذیرد. لذا وفق ماده ۶ این قانون، کلیه سرمایه گذاری ها بر اساس بودجه واحد های عملیات به پیشنهاد وزارت نفت در بودجه کل کشور درج می شود. سرمایه گذاری خارجی در این عملیات بهیچ وجه مجاز نمی باشد.

بنابراین، سرمایه گذاری خارجی که متضمن مالکیت سرمایه گذار بر منابع، تأسیسات و تجهیزات باشد، منع شد. بر طبق ماده ۱۲ قانون نفت مصوب ۱۳۶۶، هرگونه قوانین مغایر با این قانون ملغی است. مع الوصف، نظر به اینکه انعقاد قرارداد به شیوه خرید خدمت در قانون سال ۱۳۵۳ هیچگونه مغایرتی با قانون مذکور ندارد، علی القاعده جذب منابع مالی خارجی، در بخش نفت و گاز منحصر به شیوه های

بودجه سال ۱۳۸۰ مصوب مجلس شورای اسلامی مقرر شده «بر اساس قانون برنامه سوم توسعه، در سال جاری به وزارت نفت اجازه داده می شود ۷/۴ میلیارد دلار قرارداد در قالب بیع متقابل هزینه کند.»

^۱ - صادقی، جوانمرد - "جنبه های حقوقی قراردادهای سرمایه گذاری بیع متقابل"، مجله پژوهش های حقوقی، سال سوم -

خرید خدمت از جمله «بیع متقابل» است؛ زیرا این نوع حضور خارجیان متضمن مالکیت آنان بر منابع، تأسیسات و تجهیزات نمی باشد.^۱

بهرحال، علت تأکید قانونگذار ایران به ملی و انفال بودن منابع نفتی و همچنین تعیین نوع عملیات استخراج و بهره برداری از آن، تلاش برای هماهنگی با اصل ۴۵ قانون اساسی است که بموجب آن انفال و ثروتهای عمومی از قبیل زمین های موات یا رها شده، معادن، دریاها،..... در اختیار حکومت اسلامی می باشد تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن عمل نماید.

اینکه قانونگذار در باب انعقاد قراردادهای نفتی، دیدگاه جدیدی را مطرح کرده، با لحاظ دوران تسلط بیگانگان بر منابع و ثروتهای ملی و دخالت آنان در شئون سیاسی کشور و تحمیل اراده خود بر این ملت بود؛ به همین سبب خواسته تا هرگونه قراردادی که منجر به اعطای امتیاز به بیگانگان می شود، ممنوع و قراردادهای با حفظ مالکیت ایران بر منابع و معادن کشور تنظیم گردد؛ زیرا بموجب اصول ۸۱، ۸۲ و ۱۵۳ قانون اساسی استخدام کارشناس خارجی و اعطای امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات در امور تجاری، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات به خارجیان و انعقاد هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، مطلقاً ممنوع است.

بهرحال، بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی، بخش دولتی، محور اقتصاد و شامل تمام صنایع بزرگ و مادر از جمله نفت و گاز می باشد که بصورت مالکیت عمومی در اختیار دولت قرار گرفته است؛ بنابراین بخش خصوصی، امکان مالکیت بر منابع نفتی را ندارد و هرگونه سرمایه گذاری مستقیم خارجیان در بخش بالا دستی نفت و گاز باید با احتیاط لازم باشد.

(ب)- ظهور و تحول بیع متقابل در پرتو قوانین برنامه و بودجه کشور

۱- (ب)- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

بیع متقابل ایران اولین بار در بند «ی» تبصره ۲۹ قانون برنامه اول توسعه ... مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ مطرح شده و بموجب این حکم، دولت اجازه یافته بمنظور رفع قسمتی از نیازهای بخش صنعت و معدن در امور مربوط به تولید، صادرات و سرمایه گذاری های ذیربط، به روش معاملات متقابل تا سقف ده میلیارد دلار اقدام نماید. در چارچوب این قانون، آئیننامه معاملات متقابل توسط وزیران عضو کمیسیون اقتصادی هیأت دولت در جلسه مورخ ۱۳۶۹/۳/۲۰ تصویب و نخستین قرارداد بیع متقابل نیز از سوی کارشناسان بانک مرکزی در اداره تهاتر و امور صادراتی مورد رسیدگی واقع شد.

علیرغم اینکه بیع متقابل مورد نظر مقنن ناظر به صنعت و معدن بوده، عملاً در صنایع نفت و گاز مورد استفاده قرار نگرفت تا اینکه قانونگذار بموجب جزء ۱ بند «ب» تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۷۳ کل کشور صراحتاً بمنظور ظرفیت سازی مورد نیاز کشور در زمینه تولید نفت خام، گاز طبیعی و فرآورده

^۱- ایرانیپور، فرهاد- "مالکیت و مفهوم آن در قراردادهای نفتی"- فصلنامه حقوق- مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی- دوره

های نفتی اجازه انعقاد قرارداد بین المللی نفتی را صادر نمود.^۱ مبتنی بر این حکم قانونی، اولین نسل این قراردادهای طراحی و مورد استفاده قرار گرفته و عملاً تا زمان تصویب قانون برنامه دوم توسعه... ساز و کار حقوقی جذب سرمایه خارجی بین شرکتهای نفتی بین المللی و دولت ایران بوده است.

۲- (ب) - قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

نظر به لزوم تسریع توسعه میادین نفتی و عنایت به کمبود منابع مالی دولت، قانونگذار در بند «و» تبصره ۲۲ برنامه دوم توسعه... مصوب ۱۳۷۳/۹/۲۰ به دولت (وزارت نفت) اجازه داد تا سقف ۶/۵ میلیارد دلار قرارداد بین المللی بیع متقابل با شرکتهای خارجی منعقد کند. با اعطای این مجوز به دولت، از آن هنگام به بعد، بموجب قوانین بودجه سنواتی بر جذب سرمایه خارجی از طریق انعقاد این نوع از قرارداد بین المللی تأکید شده است.^۲

این مجوزهای قانونی که جملگی دارای ارقام بسیار کلان بوده و هر سال نسبت به سال پیش از افزایش مضاعفی برخوردار شده، نمایانگر آن است که به رغم همه انتقاداتی که کارشناسان فنی و حقوقی به این قالب قراردادی داشته اند، دولت تمایل بیشتری به انعقاد قراردادهای نفتی در قالب بیع متقابل نشان داده است.^۳

آنچه حائز اهمیت است اینکه نقطه شروع انعقاد قرارداد بیع متقابل و ظهور اولین نسل این قرارداد در ایران را باید مأخوذ به حکم جزء ۱ بند «ب» تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۷۳ کل کشور و همچنین بند «و» تبصره ۲۲ برنامه پنجساله دوم توسعه... دانست که نخستین بار مجلس شورای اسلامی به دولت (وزارت نفت) اجازه داد تا با توجه به کمبود منابع مالی دولت و لزوم تسریع در توسعه میادین نفت و گاز،

^۱ - بموجب جزء ۱ بند «ب» تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۷۳ کل کشور جهت اجرای طرح های توسعه میادین گازی پارس جنوبی و شمالی و احداث پالایشگاه میعانات گازی عسلویه (نهم) و بازسازی پالایشگاه آبادان از محل فروش نفت کوره همان پالایشگاه، به شرکت ملی نفت ایران اختیار داده رأساً حداکثر تا مبلغ سه میلیارد و پانصد میلیون دلار پس از تأیید هیأت وزیران قراردادهای لازم را به صورت «بیع متقابل» با شرکتهای ذیصلاح خارجی منعقد نماید، بنحوی که بازپرداخت اقساط سالیانه مساوی مربوط به سرمایه گذاری و هزینه های مرتبط هر یک بعد از شروع بهره برداری برای طرح عسلویه حداقل پنج ساله و برای طرح های میادین گازی پارس شمالی و جنوبی حداقل ده ساله و از محل فروش تولیدات این طرح ها به قیمت روز صورت پذیرد و هیچگونه تعهدی برای دولت و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و دیگر بانک های کشور ایجاد نکند. قراردادهای مذکور بایستی به نحوی منعقد گردد که شرکتهای خارجی به انتقال دانش فنی و تکنولوژی و آموزش نیروی انسانی و استفاده حداکثر از توان موجود کشور در زمینه های طراحی و مهندسی، ساخت و نصب تجهیزات و ماشین آلات ملزم گردند.

^۲ - بموجب بند «م» تبصره ۲۲ قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی «به دستگاه های اجرایی ذیربط اجازه داده می شود در چارچوب اعتبارات این قانون ... سقف شش میلیارد و پانصد میلیون دلار با استفاده از روش های بیع متقابل ... و تا سقف سه میلیارد و پانصد میلیون دلار از طریق تعهدات فایناس ... اجرا نمایند».

^۳ - عملکرد چهارساله ۷۷-۱۳۷۴ مبین آن است که مجموعاً معادل ۹/۶۸ میلیارد دلار مجوز سرمایه گذاری صادر شده و با توجه به مجموع سرمایه گذاریها و تعهدات مربوط به بیع متقابل و فاینانس طرحهای نفت و گاز، درآمد سالانه آن ۷/۱ میلیارد دلار برآورد گردید؛ لیکن بر اساس بررسیها برای تأمین حدود ۱۵ میلیارد دلار هزینه سرمایه گذاری، رقمی حدود ۱۴ میلیارد دلار بهره بازپرداخت خواهد شد. ر.ک. موسسه مطالعات و پژوهشهای مجلس - گزارش ویژه نشریه شماره ۲۷

تا سقف ۶/۵ میلیارد دلار با شرکتهای خارجی قرارداد بیع متقابل منعقد کند. از این زمان به بعد، قوانین بودجه سنواتی بطور مستمر مجوز دولت برای انعقاد این قرارداد بوده است.^۱ بموجب مفاد قراردادهای بیع متقابل، «عملیات توسعه» باید بنام شرکت ملی نفت ایران انجام گیرد. با ابتدای به همین موضوع حتی کالاهای مربوط به پروژه نیز به نام این شرکت وارد می شود. در مقدمه این قرارداد ذکر شده «شرکت ملی نفت ایران تمایل دارد تا پیمانکار را به نمایندگی از طرف خود و بنام خود برای تأمین مالی و اجرای عملیات توسعه در منطقه قراردادی انتخاب کند». این موضوع حسب مورد در سایر بندهای قرارداد تکرار شده است.^۲

۳-ب) - قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۷۹/۱/۱۷ قانونگذار مجوز انعقاد قرارداد بیع متقابل را در بند «ه» ماده ۸۵ صادر کرده است. بموجب این حکم، دولت موظف شده طرحهای بیع متقابل را در لویح بودجه سالیانه ارائه و پس از تصویب مجلس شورای اسلامی اجراء نماید. علاوه بر چارچوب و هدفگذاری که قانون برنامه سوم توسعه... در خصوص استفاده از قراردادهای بیع متقابل در استخراج، اکتشاف، توسعه و بهره برداری از منابع نفت و گاز مقرر کرده، بطور مشخص نقش آفرینی بیع متقابل برای «اکتشاف و توسعه» در میادین نفت و گاز، اولین بار با قانون بودجه سال ۱۳۸۲ متبلور شد.^۳

با توجه به مشخصه بیع متقابل که بازپرداخت هزینه های پروژه از محل درآمد همان پروژه است، محتوای این قراردادها متناسب با شرایط بازار، سیاست دولت و مقتضیات جدید، محتاج تغییر و اصلاح بودند. به همین منظور قانونگذار در قانون بودجه ۱۳۸۲، اجازه داده از ساز و کار بیع متقابل برای «اکتشاف و توسعه» میادین هیدرو کربوری استفاده شود. این امر نیازمند بازنگری در قراردادهای موجود

^۱ - قانونگذار در جزء ۱ "بند (ل) تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۷۷ کل کشور، به دولت اجازه داده برای برخی از طرحهای مؤلّد و اشتغالزا به میزان ۵/۴ میلیارد دلار به روش بیع متقابل قرارداد منعقد نماید؛ «بازپرداخت تسهیلات مزبور و تمام تعهدات ذیربط تنها از محل درآمد حاصل از صادرات محصولات همان طرحها و بدون تعهد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران صورت خواهد گرفت». علاوه بر این، مقنن در بند (ل) تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۷۸ کل کشور، ضمن اعطای اجازه به دولت برای انعقاد قراردادهای بیع متقابل بمیزان معادل ۷ میلیارد دلار، مقررات جدیدی در خصوص بازیافت هزینهها مقرر نموده است. مطابق با بند ۲-۱ تبصره مزبور، «تمام پرداختهای مربوط به طرحها اعم از بازپرداخت و هزینههای ذیربط باید از محل صدور محصولات تولیدی همان طرح ها و پیش پرداخت از محل درآمدهای همان دستگاه انجام گیرد».

^۲ - Groenendaal, Willem J.H. van, Mohammad, Mazraati, (۲۰۰۶), A Critical Review of Iran's Buyback Contract

Energy Policy, ۳۴, ۳۷۰۹-۳۷۱۸

^۳ - البته بموجب قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری های خارجی مصوب ۱۳۸۱ تشخیص مصلحت نظام، علاوه بر قراردادهای بیع متقابل مجوز استفاده از قراردادهای "مشارکت مدنی" و "ساخت، بهره برداری و واگذاری" در بخش بالادستی

بیع متقابل و استفاده از ترتیبات مقرر در سایر قراردادها و به ویژه قراردادهای مشارکت در تولید^۱ بوده است.

فی الواقع اندیشه تحوّل در محتوای نسل اول قرارداد بیع متقابل با تصویب و اجرای حکم مقنن در بند «ف» تبصره ۲۱ قانون بودجه سال ۱۳۸۲ متبلور شده تا نسل دوم این قرارداد پا به عرصه ظهور بنهد. بموجب این حکم و در اجرای مواد (۸۵) و (۱۲۲) قانون برنامه سوم توسعه... شرکت نفت ملی ایران اجازه یافته در کلیه مناطق کشور که «عملیات اکتشافی» مربوط با ریسک پیمانکار انجام و منجر به کشف میدان قابل تولید تجاری تا سقف یک میلیارد دلار با تصویب شورای اقتصاد و مبادله موافقتنامه با سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور شود، مرحله «توسعه» را به دنبال مرحله «اکتشاف» و از طریق عقد قرارداد با همان پیمانکار به روش بیع متقابل آغاز کند.^۲

هزینه های اکتشافی (مستقیم و غیرمستقیم) در قالب قراردادهای بیع متقابل برای توسعه میدان، منظور و به همراه هزینه های توسعه از محل فروش محصولات تولیدی همان میدان بازپرداخت شود. در صورتی که در پایان مرحله اکتشاف، میدان تجاری در هیچ نقطه ای از منطقه کشف نشده باشد، قرارداد اکتشافی خاتمه خواهد یافت و طرف قرارداد حق مطالبه هیچگونه وجهی را نخواهد داشت.

علی اجمال، در این نسل از قراردادهای بیع متقابل، فعالیت پیمانکاران علاوه بر عملیات توسعه، شامل اکتشاف نیز بوده است؛ مع الوصف، در این قراردادها ممکن است عملیات توسعه در دو فاز صورت پذیرفته و پس از انجام برخی از فعالیت های لرزه نگاری و حفر چاه های توصیفی، تولیدی، جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل، محدوده کار برای فاز دوم مشخص شود. علاوه بر این، چنانچه در طول عملیات توسعه، برداشت زود هنگام نفت وجود داشته باشد، ممکن است پیمانکار مسئولیت بهره برداری برای تولید زود هنگام^۳ را بعهده بگیرد، لیکن در هر حال پس از خاتمه عملیات توسعه و تحویل تجهیزات و تأسیسات موجود به شرکت ملی نفت ایران، عملیات تولید از سوی این شرکت انجام خواهد شد و پیمانکار هیچ نظارتی بر این عملیات نخواهد داشت.

^۱ - Production sharing agreements (PSJ) are a common type of contract signed between a government and a resource extraction company (or group of companies) concerning how much of the resource (usually oil) extracted from the country each will receive. - Production sharing agreements were first used in Bolivia in the early 1950s, although their first implementation similar to today's was in Indonesia in the 1960s. Today they are often used in the Middle East and Central Asia. In production sharing agreements the country's government awards the execution of exploration and production activities to an oil company. The oil company bears the mineral and financial risk of the initiative and explores, develops and ultimately produces the field as required. When successful, the company is permitted to use the money from produced oil to recover capital and operational expenditures, known as "cost oil". The remaining money is known as "profit oil", and is split between the government and the company, typically at a rate of about 80% for the government, 20% for the company. In some production sharing agreements, changes in international oil prices or production rate can affect the company's share of production.

^۲ - در قراردادهای بیع متقابل محدوده اجرای عملیات توسعه (Contract Area) در قرارداد مشخص شده و این امر تا پایان عملیات توسعه ثابت می ماند.

^۳ - Early Production

۴-ب- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

ظهور نسل سوم قراردادهای بین المللی نفتی بیع متقابل در صنعت نفت ایران مرهون تفکری است که تا قبل از وضع ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه... مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ با تلاش برای رفع کاستیهای دو نسل قبلی این قرارداد از حیث شیوه پرداخت حق الزحمه و پاداش و رفع دغدغه های پیمانکاران خارجی در زمینه ریسک ناشی از افزایش غیر قابل پیش بینی هزینه های سرمایه ای عملیات توسعه و تقریب سقف قرارداد به هزینه های واقعی و احاله آن به مدت زمانی طولانی تر به حدود دو سال بعد از انعقاد قرارداد مؤثر بوده و راهبری کرده است. مع الوصف، بموجب ماده مرقوم، قانونگذار چارچوب و اصول مشخصی برای انعقاد قرارداد بین المللی نفتی بیع متقابل تدوین و اعلام کرده و بر انعقاد این نوع قرارداد در زمینه های مختلف بویژه نفت و گاز تأکید نموده است.^۱

۱- ماده ۱۴ - الف - دولت موظف است طرحهای بیع متقابل دستگاههای موضوع ماده (۱۶۰) این قانون و همچنین مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و بانکها را در لوائح بودجه سالیانه پیش بینی و به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.
ب - بمنظور افزایش ظرفیت تولید نفت و حفظ و ارتقای سهمیه ایران در تولید اوپک، تشویق و حمایت از جذب سرمایه ها و منابع خارجی در فعالیتهای بالادستی نفت و گاز بویژه در میداین مشترک و طرحهای اکتشافی کشور، اطمینان از حفظ و صیانت هرچه بیشتر با افزایش ضریب بازیافت از مخازن نفت و گاز کشور، انتقال و بکارگیری فناوریهای جدید در توسعه و بهره برداری از میداین نفتی و گازی و امکان استفاده از روشهای مختلف قراردادی بین المللی، به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده می شود تا سقف تولید اضافی مندرج در بند (ج) این ماده نسبت به انعقاد قراردادهای اکتشافی و توسعه میدانها با تأمین منابع مالی با طرفهای خارجی یا شرکتهای صاحب صلاحیت داخلی، متناسب با شرایط هر میدان با رعایت اصول و شرایط ذیل اقدام نماید:

۱- حفظ حاکمیت و اعمال تصرفات مالکانه دولت بر منابع نفت و گاز کشور. ۲- عدم تضمین بازگشت تعهدات ایجاد شده توسط دولت، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و بانکهای دولتی. ۳- منوط کردن بازپرداخت اصل سرمایه، حق الزحمه و یا سود، ریسک و هزینه های تأمین منابع مالی و سایر هزینه های جنبی ایجاد شده جهت اجرای طرح از طریق تخصیص بخشی از محصولات میدان و یا عواید آن بر پایه قیمت روز فروش محصول. ۴- پذیرش خطرات و ریسک عدم دستیابی به اهداف مورد نظر قراردادی، غیراقتصادی بودن میدان و یا ناکافی بودن محصول میدان برای استهلاک تعهدات مالی ایجاد شده توسط طرف قرارداد. ۵- تعیین نرخ بازگشت سرمایه گذاری برای طرف قرارداد، متناسب با شرایط هر طرح و با رعایت ایجاد انگیزه برای بکارگیری روشهای بهینه در اکتشاف، توسعه و بهره برداری. ۶- تضمین برداشت صیانتی از مخازن نفت و گاز در طول دوره قرارداد. ۷- حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی کشور براساس قانون حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۱۲. ۸- رعایت مقررات و ملاحظات زیست محیطی.

ج - به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده می شود برای توسعه میدانهای نفت و گاز تا سقف تولید اضافی، روزانه یک میلیون بشکه نفت خام و دو بیست و پنجاه میلیون مترمکعب گاز طبیعی، با اولویت میداین مشترک، پس از تصویب توجیه فنی و اقتصادی طرحها در شورای اقتصاد و مبادله موافقتنامه با سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور اقدام نماید و بازپرداخت تعهدات ایجاد شده را در هر یک از طرحهای نفتی و گازی، صرفاً از محل تولیدات اضافی همان طرح و در مورد طرحهای گازی از محل تولیدات اضافی همان طرح (منابع داخلی شرکت ملی نفت ایران) انجام دهد.

د- به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده می شود به منظور جمع آوری گازهای همراه و تزریق گاز، نوسازی و بهینه سازی تأسیسات نفتی، تبدیل گاز طبیعی به فرآورده های مایع (DME, GTL, LNG) ... تأسیسات پالایش و بهینه سازی مصرف سوخت شامل طرحهای توسعه گازرسانی، نسبت به اجرای طرحهای مربوطه پس از تصویب توجیه فنی - اقتصادی طرحها در شورای

نظر به دلایل عدیده ای منجمله کمبود نقدینگی ارزی، ضرورت انتقال فناوری، عدم وجود پیمانکاران نفتی ایرانی توانمند و صاحب صلاحیت برای پروژه های صنعت نفت، فقد امکانات داخلی برای تأمین خدمات مهندسی و کالای عملیات توسعه میداین نفتی و گازی، نبود مدیریت کارآمد پروژه و همچنین ضرورت حضور فعال در تعامل با شرکتهای بزرگ بین المللی نفتی و بازارهای داخلی و خارجی، قراردادهای بیع متقابل تا پیش از تصویب برنامه چهارم توسعه... ساز و کار منحصر به فرد برای جذب سرمایه خارجی در بخش نفت و گاز ایران بوده که توانسته در خلال چند سال گذشته منبع جذب ده ها میلیارد دلار سرمایه گذاری خارجی شود.

علیهذا، قانونگذار در راستای بهبود اوضاع سرمایه گذاری خارجی و تأمین منابع مالی لازم جهت اجرای طرحهای توسعه ای صنعت نفت کشور، مبانی حقوقی جدیدی را برای لحاظ در روابط قراردادی با پیمانکاران بین المللی خارجی در اصول هشتگانه مندرج در بند «ب» ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه وضع و مقرر کرده با توجه به تحقق چشم انداز آینده صنعت نفت ایران در افق ۲۰ ساله، برای تولید روزانه ۷ میلیون بشکه نفت خام و میعانات گازی با میانگین تولید روزانه ۵ میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه نفت خام ایجاد ظرفیت شود.

با توجه به اینکه میزان سرمایه گذاری مورد نیاز در صنعت نفت کشور در برنامه چهارم توسعه ۱۵ میلیارد دلار در سال بوده که حداقل ۴ تا ۵ میلیارد دلار آن از منابع داخلی و بقیه باید از منابع خارجی و استفاده از روش های مختلف از جمله بیع متقابل یا فاینانس تأمین می گردید؛ لاجرم لزوم تشویق و حمایت از سرمایه گذاران خارجی در بخش نفت و گاز در کشوری که بیش از ۱۳۰ میلیارد بشکه نفت قابل استحصال و ۲۷ تریلیون متر مکعب گاز در اختیار دارد، مقتضی سرمایه گذاری سالانه میلیاردها دلار در توسعه منابع هیدروکربوری مربوطه است که این امر، هم در برنامه چشم انداز ۲۰ ساله کشور و هم در قانون برنامه چهارم توسعه مورد تأکید قرار گرفته است.

اقتصاد و مبادله موافقتنامه با سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور اقدام نماید و بازپرداخت تعهدات ایجاد شده را از محل درآمد اضافی همان طرحها (منابع داخلی شرکت ملی نفت ایران) انجام دهد.

هم بمنظور شناسایی و اکتشاف هرچه بیشتر منابع نفت و گاز در سراسر کشور و نیز انتقال و بکارگیری فناوریهای جدید در عملیات اکتشافی در کلیه مناطق کشور (به استثنای استانهای خوزستان - بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد) که عملیات اکتشافی مربوط با ریسک پیمانکار انجام و منجر به کشف میدان قابل تولید تجاری شود، به دولت اجازه داده می شود در قالب ارقام مذکور در بند (ج) این ماده و پس از تصویب عناوین طرحها و پروژهها در بودجه های سنواتی توسط مجلس شورای اسلامی و تصویب شورای اقتصاد و مبادله موافقتنامه با سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور نسبت به عقد قراردادهای بیع متقابل توأم برای اکتشاف و استخراج از طریق برگزاری مناقصات اقدام و پیمانکار را مطابق ضوابط قانونی انتخاب نماید. هزینه های اکتشافی (مستقیم و غیرمستقیم) در قالب قرارداد منعقد مذکور منظور و به همراه هزینه های توسعه از محل فروش محصولات تولیدی همان میدان بازپرداخت خواهد شد. مجوزهای صادره دارای زمان محدود بوده و در هر مورد توسط وزارت نفت تعیین شده و یک بار نیز قابل تمدید می باشد. در صورتیکه در پایان مرحله اکتشاف، میدان تجاری در هیچ نقطه ای از منطقه کشف نشده باشد، قرارداد خاتمه خواهد یافت و طرف قرارداد حق مطالبه هیچگونه وجهی را نخواهد داشت.

و- آییننامه اجرایی این ماده با پیشنهاد مشترک سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت نفت و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

تشویق برای جذب سرمایه خارجی بویژه برای عملیات توسعه میادین مشترک نظیر طرح توسعه میدان نفتی آزادگان، انتقال و بکارگیری فناوری های روزآمد، اطمینان از حفظ و صیانت هر چه بیشتر مخازن و افزایش ضریب بازیافت با استفاده از فناوری های مدرن از اهداف مهم قانونگذار در ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه است. نظر به اینکه در وضعیت کنونی کشور، علی القاعده شرایط و امکانات لازم برای تأمین و برخورداری از همه فناوری های مورد نیاز صنعت نفت در داخل وجود ندارد، لذا حضور شرکتهای نفتی خارجی در کشور و همکاری مشترک با آنها با لحاظ چارچوبهای دقیق قراردادی و نظارت صحیح و مستمر بر اجرای آن، موجب تضمین افزایش ضریب بازیافت و صیانت از مخازن است. در همین راستا، قانونگذار این امکان را به شرکت ملی نفت ایران داده تا با رعایت اصول هشتگانه مقرر در بند «ب» ماده ۱۴ این قانون و استفاده از روش های مختلف قراردادی بین المللی و انعقاد قراردادهای اکتشاف و توسعه و تأمین منابع مالی با طرف های خارجی و شرکتهای صاحب صلاحیت داخلی، تا آخر برنامه چهارم توسعه روزانه حداقل یک میلیون بشکه ظرفیت تولید نفت خام و ۲۵۰ میلیون متر مکعب تولید گاز کشور را افزایش دهد.

این تصمیم قانونگذار در جهت نوسازی قرارداد بیع متقابل بر مبنای اصول معینه مذکور بود که بمنظور تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی در فعالیت های بالادستی نفت و گاز، به ویژه در میادین مشترک و پروژه های اکتشافی؛ اطمینان از حفظ و صیانت هر چه بیشتر مخازن و افزایش ضریب بازیافت و بهره برداری بهینه از آنها؛ انتقال و بکارگیری از فناوریهای روزآمد در مدیریت و بهره برداری بهینه از این میادین، همچنین امکان استفاده از روش های مختلف قراردادی بین المللی متناسب با شرایط هر میدان، به وزارت نفت اجازه داده تا برای انجام عملیات اکتشاف، توسعه، بهره برداری، افزایش بازیافت نفت و گاز، نوسازی و بازسازی و بهینه سازی و تعمیرات چاه ها و تأسیسات بالادستی، بتواند حسب مورد و تشخیص این وزارتخانه و تصویب شورای اقتصاد، از شیوه های مختلف قراردادی از قبیل بیع متقابل^۱، مشارکت مدنی^۲، مشارکت در سرمایه گذاری^۳، مشارکت در تولید^۴، قراردادهای ساخت، بهره برداری و انتقال^۵، قراردادهای ساخت، اجرا و تحویل^۶ و قراردادهای خرید خدمت^۷ با رعایت اصول و شرایط مقرر مذکور استفاده کند.

از آنجا که امکان حضور پیمانکار خارجی در میادین هیدروکربوری در اجرای قراردادهای بیع متقابل موضوعی توافقی و محتاج تصمیم مدیریت کشور است، در صورت احراز ضرورت استفاده از فناوری و مدیریت آنان در دوران بهره برداری، این شرکتهای نه تنها در دوره اکتشاف و توسعه، بلکه در دوران بهره برداری نیز در میدان خواهند ماند و چنانچه تضمین تأسیسات و تولید صیانتی از مخازن در این

^۱ - Buy- Back

^۲ - Participation Agreement

^۳ - Joint-Venture

^۴ - Production Sharing

^۵ - Build, Operate and Transfer

^۶ - Build, Commissioning and Handover

^۷ - Service Contract

قراردادها پیش بینی شود، باید شرایطی برای پیمانکار تمهید نمود تا بتواند این موارد را تضمین کند و به یقین نمی توان از پیمانکار انتظار داشت تا تنها بمنظور حضور ۵ ساله خود در میدان، تضمین ۲۵ ساله ای برای تولید از میادین نفت و گاز کشور بدهد. به همین منظور با ابتدای به اصول و شرایط مقرر در ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه و متناسب با منافع کشور و شرایط و الزامات میادین نفتی، تحویل قراردادهای بیع متقابل راهکار مطرحی است که بموجب آن با حفظ حاکمیت و مالکیت دولت بر منابع نفت و گاز، می توان با استفاده از آن در مدت زمان طولانی تری از خدمات شرکتهای سرمایه گذار بین المللی نفتی در افزایش بهره‌وری از میادین بهره جست.^۱

۵-ب)- قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

در تعاقب اصول مقرر در ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه... بموجب احکام مقرر در قانون برنامه پنجم توسعه... بستر تحوّل شگرف در محتوای قراردادهای بیع متقابل و نوسازی آن در قالب نسلی نو و طرحی مدرن راجع به مراحل مختلف اعم از اکتشاف، توسعه، تولید و بهره برداری از منابع نفتی ایجاد شد.^۲ بر اساس حکم بند «الف» ماده ۱۲۵ این قانون، وزارت نفت مجاز است با ایجاد فضا و شرایط رقابتی، نسبت به صدور پروانه اکتشاف، توسعه و تولید مورد نیاز برای بهره برداری از حداکثر ظرفیتهای برای توسعه میادین نفت و گاز و افزایش تولید صیانت شده با حفظ ظرفیت تولید سال ۱۳۸۹ تا سقف تولید اضافه روزانه یک میلیون بشکه نفت خام و دوپست و پنجاه میلیون متر مکعب گاز طبیعی با اولویت میادین مشترک، با تأکید بر توسعه میدان گاز پارس جنوبی، پس از تصویب گزارش توجیه فنی و اقتصادی طرحها در شورای اقتصاد و درج در قوانین بودجه سنواتی و نیز مبادله موافقتنامه با استفاده از روشهای زیر اقدام نماید:

- ۱- استفاده از انواع روشهای اکتشاف، توسعه، تولید در دوره زمانی معین در میادین نفت و گاز. البته شرایط اساسی این روشها با حفظ حق مالکیت و اعمال تصرفات مالکانه برای دولت در سال اول برنامه با پیشنهاد وزارت نفت تهیه و به تصویب شورای اقتصاد می‌رسد.
- ۲- استفاده از روش بیع متقابل با رعایت اصول و شرایط موضوع بند (ب) ماده (۱۴) قانون برنامه چهارم توسعه.

وزارت نفت می تواند در طول برنامه نسبت به انعقاد قرارداد توسعه و تولید از کلیه میادین مشترک شناخته شده اقدام و تلاش لازم را بعمل آورد.^۳

^۱-ابراهیمی، نصرالله- تحولات معاصر در صنعت بالا دستی نفت و گاز- طراحی و پیشنهاد نسل جدید قراردادهای بالادستی E&P- کنفرانس راهکارهای تحول نظام توسعه و بهره برداری در بخش بالادستی نفت و گاز- WWW.upstream.ir

^۲- در حال حاضر ایران از لحاظ جغرافیای سیاسی انرژی با در دست داشتن حدود ۹۷ میلیارد بشکه ذخایر نفتی و ۲۶ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی از بزرگترین تولیدکنندگان انرژی است.

^۳- علاوه بر این، قانونگذار در ماده ۱۲۶ این قانون نیز کماکان بمنظور شناسایی و اکتشاف هر چه بیشتر منابع نفت و گاز در سراسر کشور و نیز انتقال و بکارگیری فناوریهای جدید در عملیات اکتشافی، در کلیه مناطق کشور به استثناء استانهای خوزستان، بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد با تأکید بر مناطق دریایی و خشکی مشترک با همسایگان که عملیات اکتشافی

مضاف بر مجوزهای مذکور، مقنن در بندهای «الف» و «ب» ماده ۱۲۹ این قانون، وزارت نفت را موظف کرده، در راستای اعمال حق حاکمیت و مالکیت بر منابع نفت و گاز و انجام وظایف قانونی خود ضمن ایجاد مدیریت اکتشاف، توسعه و تولید ... برای فعالیتهای اکتشاف، توسعه، استخراج و تولید نفت و گاز توسط شرکتهای تابعه وزارت نفت و شرکتهای صاحب صلاحیت، با اتخاذ ضوابط تولید صیانتی، پروانه بهره برداری بدون حق مالکیت نسبت به نفت و گاز تولیدی صادر و براساس طرح مصوب، بر عملیات اکتشاف، توسعه و تولید شرکتهای فوق الذکر از نظر مقدار تولید و صیانت مخزن و معیارهای سلامتی - ایمنی و زیست محیطی نظارت نماید.

قانونگذار با تصویب قوانین برنامه چهارم و پنجم توسعه...، بستر تغییر محتوای قراردادهای بیع متقابل را فراهم کرده تا دولت با طرحی نو برای این قرارداد، بمنظور برون رفت از شرایطی که در اثر وضعیتهای نامساعد سیاسی بین المللی خصوصاً تحریم صنعت نفت و دشوار شدن جذب منابع مالی برای توسعه این صنعت اصلی بر اقتصاد کشور حاکم گردیده، بتواند گامهای استوارتری در جذب سرمایه خارجی به داخل و انجام سرمایه گذاری برای اکتشاف، توسعه، تولید و بهره برداری از منابع نفتی و گازی و ظرفیت سازی بیشتر در اینخصوص بردارد.^۱ در این مسیر با تمهید مقدماتی برای طراحی نسلی جدید از قرارداد بین المللی بیع متقابل، بگونه ای که مراحل اکتشاف، توسعه، تولید و بهره برداری در قالب یک قرارداد با چارچوبی منسجم و مشخص در انطباق با موازین قانونی متضمن رعایت مصالح ملی، قابل واگذاری باشد؛ اندیشیده شده است. بر اساس این اذن قانونی، در نسل چهارم این قراردادهای نفتی، الحاق مرحله بهره برداری و تولید به مراحل قبل و همچنین تمایل به سمت مشارکت در سرمایه گذاری شرکتهای خارجی

مربوط با خطرپذیری (ریسک) طرف قرارداد انجام و منجر به کشف میدان قابل تولید تجاری شود، به وزارت نفت اجازه داده در قالب ارقام مذکور در ماده (۱۲۵) این قانون و بودجه های سنواتی کل کشور و تصویب شورای اقتصاد و مبادله موافقتنامه، نسبت به عقد قراردادهای بیع متقابل توأم برای اکتشاف و توسعه میادین جدید از طریق برگزاری مناقصات اقدام و طرف قرارداد را مطابق ضوابط قانونی انتخاب نماید. هزینه های اکتشافی اعم از مستقیم و غیرمستقیم در قالب قرارداد منعقد مذکور منظور و به همراه هزینه های توسعه از محل فروش محصولات تولیدی همان میدان بازپرداخت خواهد شد.^۲ مجوزهای صادره دارای زمان محدود بوده و در هر مورد توسط وزارت نفت تعیین شده و یک بار نیز قابل تمدید می باشد. در صورتی که در پایان مرحله اکتشاف، میدان تجاری در هیچ نقطه ای از منطقه کشف نشده باشد، قرارداد خاتمه می یابد و طرف قرارداد حق مطالبه هیچگونه وجهی را نخواهد داشت.

۱- انعقاد قراردادهای بیع متقابل در بخش نفت، گاز و پتروشیمی، محتاج طی فرآیندی طولانی است. متعاقب اذن مقنن که غالباً در بودجه های سالانه مبتنی بر قوانین برنامه ای توسعه صادر و چارچوب کلی و سقف مالی انعقاد آنرا در بخش صنایع و معادن از جمله نفت و گاز تعیین می کند؛ اولویت های توسعه و بهره برداری حوزه های مختلف ارزیابی و هزینه های تقریبی آن برآورد می شوند. پس از بررسی و تهیه گزارش های فنی در زمینه طرح های مختلف منتخب، شرکت ملی نفت ایران آنها را از طریق همایش های داخلی و خارجی به مناقصه بین المللی می گذارد. پیشنهادهای دریافت شده در مناقصه پس از ارزیابی، درجه بندی و در اختیار کمیسیون معاملات ویژه طرح های بیع متقابل قرار داده شده تا مورد بررسی های حقوقی، مالی و فنی قرار گرفته و سرانجام به تصویب هیأت مدیره شرکت ملی نفت ایران برسند. پس از آن، طرح در اختیار شورای نظارت بر طرح های بیع متقابل، شامل سه نفر از نمایندگان مجلس (منتخب کمیسیون های مربوط)، معاونان چهار وزارتخانه امور اقتصاد و دارایی، امور خارجه، صنایع و نفت، نماینده سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و نماینده ریاست جمهوری قرار می گیرد و از آنجا به شورای اقتصاد و سپس بانک مرکزی ارسال می شود. سرانجام پس از موافقت شورای اقتصاد و تصویب قراردادهای مالی از سوی بانک مرکزی، امکان عقد قرارداد فراهم می شود.

و شرکتهای خصوصی توانمند ایرانی با ویژگی های خاص که مبین نوعی تحوّل در محتوای این نسل از بیع متقابل است، مشهود می باشد.

انعقاد قراردادهای بیع متقابل در صنایع نفت و گاز ایران، با توجه به لزوم سرمایه گذاری در آن و فقد سرمایه داخلی و سایر محدودیت ها، در حال حاضر روشی مناسب برای جذب سرمایه خارجی است،^۱ لیکن نقایص و کاستیهای موجود در محتوای این قراردادها و اجرای آن، باید مرتفع شود تا ضمن متنوع کردن شیوه های سرمایه گذاری، منافع کشور بیشتر تضمین شود.

بنا به آنچه در باب تقنین نظام کلی مالکیت دولت بر منابع نفتی ایران بیان شد، قانونگذار ایران از سال ۱۳۵۳ اعمال حق مالکیت در زمینه اکتشاف، توسعه، تولید و بهره برداری از منابع نفتی را به نیابت از مردم بر عهده دولت قرار داده تا مطابق مصلحت ملت اقدام نماید. در این راستا شرکت ملی نفت ایران را موظف به بهره برداری از این منابع ملی کرده تا بطرق مقتضی با رعایت حاکمیت و مالکیت ملت بر نفت، قراردادهای لازم را منعقد نماید. در این قانون امکان امضای قرارداد بر پایه خرید خدمت پیش بینی گردیده است.

نظر به اینکه قانونگذار سال ۱۳۶۶ نیز با اِبتنای به اصل ۸۱ قانون اساسی دائر بر ممنوعیت اعطای امتیاز تشکیل شرکتهای و مؤسسات به خارجیان با لحاظ اینکه طبق اصل ۴۴ تمامی صنایع بزرگ بصورت مالکیت عمومی در اختیار دولت است؛ بصراحت در ماده ۶ قانون نفت تسلط بیگانگان بر منابع نفتی را ممنوع نموده و هرگونه سرمایه گذاری خارجی را صرفاً با لحاظ حفظ مالکیت ملت بر منابع نفتی، ممکن و بنابراین سرمایه گذاری بر اساس بودجه واحدهای عملیات را مجاز اعلام کرده، لذا در شرایط فعلی کشور قراردادی که بتواند متضمن این شروط قانونی باشد و در عین حال، راه جذب سرمایه خارجی و انتقال تکنولوژی برای اکتشاف، توسعه و بهره برداری را هموار نماید، قرارداد بین المللی بیع متقابل می باشد که در مسیر تحولات قانونی تا به امروز در خدمت صنعت نفت ایران بوده است.

۴- تکامل محتوایی قراردادهای بین المللی نفتی بیع متقابل

در ایران، لزوم سرمایه گذاری معادل حداقل ۴۰ میلیارد دلار در ۱۰ سال آینده با اولویت توسعه میادین مشترک بمنظور افزایش بیش از ۱ میلیون بشکه به ظرفیت تولید روزانه کشور با لحاظ اهداف برنامه پنجم توسعه... دائر بر سرمایه گذاری حدود ۲۰۰ میلیارد دلار در بخش بالادستی صنایع نفت و گاز و نظر به شرایط تحریم اقتصادی کشور، تدوین و رونمایی از نسل جدید قراردادهای بیع متقابل در جهت افزایش انگیزه اقتصادی شرکتهای داخلی و خارجی برای سرمایه گذاری در این حوزه، یک ضرورت اجتناب ناپذیر و حتی یک مزیت اقتصادی برای کشور محسوب می گردد. از همین رهگذر است که با کسب تجربه در این زمینه، نسل جدید این قرارداد در خصوص سرمایه گذاری خارجی ظهور کرده که در مقایسه با نسلهای قبلی خود دارای پیچیدگی های بیشتری است.

^۱ — M. Sonarajah (2004), "The International Law on Foreign Investment, Second Edition", Cambridge University Press.

آنچه که در باب دگرذیسی و تکامل محتوایی قرارداد بین المللی نفتی بیع متقابل مشهود است، اینکه تمرکز اصلی نسل اول این قراردادها بر توسعه و نسل دوم آن روی اکتشاف و توسعه بوده است. نسل اول این قرارداد، برای حضور کوتاه مدت پیمانکاران خارجی با هدف توسعه میادین قدیمی^۱ جهت بازسازی و افزایش میزان برداشت، طراحی شد؛ در حالیکه نسل دوم آن با توجه به ضرورت بهره برداری از میادین بکر^۲، امکان حضور پیمانکار خارجی در هر دو مرحله اکتشاف^۳ و توسعه^۴ را فراهم آورد و وی با پذیرش ریسک و به هزینه خود اقدام به جستجو و اکتشاف میادین نفتی جدید می نمود و در صورت کشف نفت به میزان تجاری، از حق ترجیحی برای مذاکره و انعقاد قرارداد توسعه برخوردار می گردید؛ مع الوصف چنانچه طرفین موفق به انعقاد قرارداد توسعه نمی شدند، کارفرما با بازپرداخت کامل هزینه های اکتشافی انجام شده پیمانکار، حق داشت با سایر متقاضیان برای انجام توسعه میدان به مذاکره بپردازد. در قراردادهای نسل اول، حجم سرمایه گذاری دارای سقف محدودی بود که در آغاز قرارداد مشخص می شد، در نسل دوم، سقف قرارداد بر اساس قیمت کشف شده از مناقصه ای فرعی و در آستانه آغاز عملیات اجرایی، تعیین می گردید.

آنچه در قراردادهای بیع متقابل نسلهای اول و دوم متجلی است اینکه پیمانکار مکلف به توسعه میدان و تضمین انجام فعالیتهایی مشخص برای رساندن سطح تولید به میزان معینی بوده و ناکامی در نیل به این سطح از تولید می توانست سودآوری پروژه را بصورت جدی کاهش دهد. طرفین در زمان انعقاد قرارداد باید سقف هزینه های سرمایه ای^۵ لازم برای نیل به سطح تولید مورد توافق را بطور دقیق معین و در قرارداد قید کنند؛ به همین دلیل گاه از این دسته قراردادها، با نام قراردادهای سقف سرمایه ای ثابت^۶ یاد می شود.^۷

بدین ترتیب، در فرضی که پیمانکار بعثت حدوث عواملی مانند نوسانات احتمالی قیمت مواد اولیه و نیز قطعی نبودن اطلاعات موجود مخزن، تخمین اولیه سقف هزینه های سرمایه ای و تفاوت این موارد با واقعیت موجود در طول اجرای پروژه، ناگزیر به انجام هزینه بیش از سقف مقرر در قرارداد می گردید، امکان بازیافت آنرا نداشت و چنانچه نیل به اهداف تولید مستلزم انجام هزینه ای بیشتر از سقف مورد توافق می بود، از نظر تئوریک پیمانکار مکلف بود برای ایفای تعهدات قراردادی خود و رسیدن به سطح تولید تعهد شده، مابه التفاوت سقف معینه در قرارداد و هزینه های واقعی انجام شده را شخصاً عهده دار

^۱ -Brown Field

^۲ -Green Field

^۳ -Exploration

^۴ -Development

^۵ -Capex

^۶ -Fixed Capex Contracts

^۷ - ابراهیمی، نصرالله- اصلاح یا جایگزینی قراردادهای بیع متقابل، راهکار یا ضرورت- شبکه اطلاع رسانی نفت و

شده و بپردازد.^۱

نسل سوم قراردادهای بیع متقابل، با لحاظ اینکه انگیزه اصلی حرکت از نسل اول به سمت نسل دوم افزایش منافع کارفرما از طریق اکتشاف ذخایر جدید هیدروکربوری بود، در مقام پاسخ به یکی از دغدغه های اساسی پیمانکاران خارجی در زمینه ریسک ناشی از افزایش غیرقابل پیش بینی هزینه های سرمایه‌ای^۲ عملیات توسعه، پا به منصه ظهور گذاشت.

تلاش طراحان نسل سوم بیع متقابل با هدف کاستن از میزان این ریسک و نزدیکتر کردن سقف مندرج در قرارداد با هزینه های واقعی از طریق عدم تثبیت سقف هزینه های سرمایه گذاری در هنگام انعقاد قرارداد و موکول کردن آن به مدت زمانی قریب به دو سال پس از انعقاد قرارداد، بعد از انجام مطالعات دقیقتر و جزئی تر فنی و نیز متعاقب انجام مناقصات اصلی پروژه از سوی پیمانکار صورت پذیرفت تا بدین ترتیب ریسک ناشی از عدم قطعیت های فنی^۳ و همچنین نوسانات قیمت مواد اولیه و تجهیزات تا حدودی برای پیمانکار کاسته شود. به همین دلیل گاه از این قراردادها بعنوان قراردادهای مناقصه باز^۴ و یا سقف باز^۵ یاد می شود.^۶

علی ایحال در نسل سوم کاستیهای دو نسل پیشین از حیث تعهدات متقابل طرفین تا حدودی مرتفع و شیوه پرداخت حق الزحمه و پاداش نیز اندکی تغییر نمود و بهر حال با استفاده از این سه نسل قراردادهای بیع متقابل، تاکنون ۶۰۰ هزار بشکه در خشکی و دریا به ظرفیت تولید روزانه کشور افزوده شده است. مع الوصف، بمنظور جذب سرمایه های داخلی و خارجی نسل جدیدتری از قراردادهای بیع متقابل با رویکرد خدماتی و واگذاری مدیریت و راهبری چاه های نفت و گاز به سرمایه گذاران در حال ظهور می باشد که با نسل های قبلی متفاوت است. بنابراین، در میان نسلهای مختلف بیع متقابل، نسل چهارم این قرارداد بگونه ای طراحی شده که باید آنرا بیع متقابل پیشرفته نامید. نظر به اینکه نسل جدید بیع متقابل با رویکرد خدماتی و واگذاری مدیریت و راهبری چاه های نفت و گاز به سرمایه گذاران بمنظور جذب سرمایه های داخلی و خارجی و الحاق مرحله تولید و بهره برداری به مرحله توسعه و همچنین تمایل آن به نوعی مشارکت در سرمایه گذاری از ابتدای مرحله اکتشاف تا مرحله توسعه و بهره برداری در حال ظهور است، لذا از لحاظ محتوا با نسل های قبلی متفاوت می باشد.

^۱ - Abdolhossein Shiravi and Seyed Nasrollah Ebrahimi (2006), "Exploration and Development of Iran,s Oil fields Through Buy-back, Natural Resources", Forum30

^۲ -Capex

^۳ -Technical Uncertainties

^۴ -Open Tender

^۵ -Open Capex

^۶ - ابراهیمی، نصرالله- اصلاح جایگزینی قراردادهای بیع متقابل، راهکار یا ضرورت - شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی (شانا)-

۵- اهداف قراردادهای بین المللی نفتی بیع متقابل از ظهور تا تکامل در مسیر تحوّل و

دگرذیسی

بطور مشخص هدف قراردادهای بیع متقابل، مطابق الگوی قانونی آن در ایران، تحصیل منابع مالی خارجی و تکنولوژی و تخصص مورد نیاز برای اقدام پرهزینه، پرخطر و پیچیده اجرای پروژه های نفت و گاز توأم با تضمین حاکمیت دولت بر منابع نفتی و نظارت دولت بر عملیات اجرای پروژه ها بنحو مقرر در قانون اساسی، قوانین نفت ۱۳۵۳ و ۱۳۶۶ می باشد. برخی از بندهای قرارداد بیع متقابل، بطور خاص برای دستیابی به این اهداف تنظیم گردیده اند.

بهر حال، از آنجا که قرارداد بیع متقابل، تنها یک روش انجام معامله است و کارآمد بودن آن به مفاد و شرایط لحاظ شده در قرارداد، کیفیت اجرای مفاد و شرایط مربوط وابسته است و ربطی به ماهیت قرارداد بیع متقابل ندارد، هدف از تحوّل در محتوای آن نیز ایجاد شرایط مطلوب برای ورود سرمایه خارجی و تکنولوژی روز دنیا به داخل کشور است تا بازار برای نفت تولیدی بنحو شایسته ای ساماندهی گردد، لذا طراحی نسل جدید قراردادهای بیع متقابل، مبتنی بر تلاش برای جذب سرمایه و بسیج مالی برای توسعه میداین نفتی و گازی؛ استمرار در حفظ ثبات اقتصادی کشور برای فراهم آوردن زمینه های اکتشاف، توسعه، تولید و بهره برداری از میداین جدید نفت و گاز؛ اتخاذ سیاست های متفاوت در مواجهه با کنشگران سیاسی در خاورمیانه، ایجاد تعامل سالم میان آنها و همچنین میان مصرف کنندگان و دارندگان این منابع؛ ایجاد زمینه و محیط مناسب برای تحقّق عملیات و اصلاحات گوناگون برای جذب سرمایه گذاری از طریق اصلاح قیمت ها؛ شیوه های مصرف و مشارکت و روشهای قراردادی و مقاطعه کاری، به ویژه رشد و ارتقای پیمانکاران داخلی و حمایت از توانایی ها و امکانات داخل کشور می باشد.^۱

از آنجا که بموجب قراردادهای بیع متقابل پیمانکار متعهد است سهم خود از نفت تولیدی میدان را خریداری نماید، تاکنون بر اساس شاخصه های نسلهای قبلی قرارداد بیع متقابل این موضوع در کشور محقّق نگردیده و از این امکان استفاده نشده است؛ مع الوصف با تغییر رویکرد، اگر فروش نفت ایران در بازارهای بین المللی با مشکل روبه رو شود، نفت تولیدی در سقف سهم پیمانکار به وی فروخته می شود.

بهرحال نظر به ضرورت جذب سرمایه و بسیج مالی برای توسعه میداین نفتی و گازی و همچنین رشد و ارتقای پیمانکاران داخلی و حمایت از توانایی ها و امکانات داخل کشور، قراردادهای بیع متقابل مهمترین ابزار حقوقی برای تحقّق این اهداف در کشورهای صاحب منابع نفتی در شرایط کمبود منابع مالی و فقد تکنولوژی داخلی است.

۶- چالش های نسل گذشته قراردادهای بین المللی نفتی متقابل

واکاوی دلایل عدول از استفاده از نسلهای قبلی قراردادهای بیع متقابل که بعّلت وجود کاستی ها و نارسایی های آنها سبب کاهش رغبت شرکتهای بزرگ سرمایه گذار بین المللی و پیمانکاران توانمند عرصه تولید، اکتشاف و بهره برداری، جهت سرمایه گذاری و حضور در عملیات اکتشاف و توسعه میداین نفتی ایران شده است، بمنظور تعیبه زیرساخت های موردنیاز برای این تغییرات و تعیین مسیر حرکت در این گذرگاه واجد اهمّیت است. بنابراین، ذیلاً به برخی از این موارد اشاره می شود:

¹ -Hooman Farnejad, "How Competitive is the Iranian Buy-Back contracts in comparison to contractual production sharing fiscal system?", Hfarnejad@marathonoil.com

الف: محدود بودن انگیزه پیمانکار در صرفه جویی در هزینه‌ها از آن جهت که این صرفه جویی متضمن منفعتی برای پیمانکار نیست، سبب کاهش رغبت شرکتهای سرمایه گذار خارجی در فعالیتهای نفتی ایران می شود؛ لذا برای جبران این نقیصه باید در این نوع قراردادها ترتیبی داده شود که در صورت صرفه جویی، مبلغ پاداش پیمانکار نیز متناسب و بدون هیچ محدودیتی در سقف مقدار صرفه جویی اعمال شده، افزایش یابد.

ب: از آنجا که در نسلهای قبلی بیع متقابل، امکان پرداخت پاداش بیشتر از سقف معینه متناسب با افزایش تولید بیشتر ملحوظ نشده و بنابراین برای پیمانکار جهت افزایش میزان تولید در قرارداد بیع متقابل انگیزه ای وجود نداشته، لذا برای جبران این کاستی مشهود، لحاظ شرط امکان پرداخت پاداش به پیمانکار برای برداشت هر بشکه اضافه تر نسبت به میزانی که پیش بینی شده، سبب رغبت پیمانکاران خارجی و همکاری آنان در بهره برداری بیشتر از میدان مکشوفه خواهد شد.

ج: یکی از عمده چالش های نسل های قبلی قراردادهای نفتی بیع متقابل، فقدان انگیزه در پیمانکار برای استفاده از فناوری ها در پروژه ها است که در دراز مدت به نفع پروژه بود و سبب می شد پیمانکار بمنظور بازیافت هزینه های انجام شده، با ازدیاد تولید بدون رعایت قواعد صیانتی برای پایان یافتن پروژه انگیزه قوی داشته باشد؛ لذا ضرورت دارد در جهت رفع این نقصان زیانبار، با اتخاذ تدبیر مقتضی، پیمانکار را متعهد به حضور در میدان در مدت طولانی تر نمود تا با استفاده از فناوریها و تکنولوژی های مدرن در جهت ازدیاد تولید با رعایت ترتیبات تولید صیانتی اقدام نماید.

د: یکی از مضایق قراردادهای بیع متقابل برای پیمانکاران خارجی، وجود سقف برای هزینه های سرمایه ای است که آنها در اجرای طرحها و پروژه های نفتی با این معضل روبه رو می باشند. آنان در زمان ارائه پیشنهاد قیمت خود در هنگام برگزاری مناقصه براساس متغیرهای بازار داخلی و بین المللی؛ مسائل فنی، سیاسی و اجتماعی اقدام می نمایند، لیکن در طول مدت زمان اجرای پروژه در می یابند که شاخص های قیمت گذاری تأثیر گذار بر روی هزینه اجرای پروژه ها نظیر افزایش تورم جهانی، بالا رفتن قیمت سیمان و فولاد و به ویژه افزایش قیمت نفت که معیار پیشنهاد آنها برای ارائه قیمت بوده، تغییر یافته است. در این صورت اگر پیمانکار بخواهد مازاد بر سقف هزینه های سرمایه ای مندرج در قرارداد، مطالبه کند، مورد موافقت کارفرما قرار نمی گیرد، زیرا طرفین نسبت به یک سقف معین از هزینه های سرمایه ای توافق کرده اند و از آنجا که قراردادهای بیع متقابل جزء قراردادهای خدماتی ریسک پذیر می باشد، بدیهی است ریسک هرگونه تغییر یا افزایش در هزینه های عملیات توسعه میدان به عهده پیمانکار خارجی می باشد؛ لذا ضرورت دارد در نسل جدید قراردادهای نفتی بیع متقابل در اینخصوص تدبیر شود.

ه: در هیچیک از قراردادهای بیع متقابل منعقد شده در صنعت نفت، شرط ثبات قراردادی مورد درخواست شرکتهای نفتی بین المللی پذیرفته نشده؛ بنابراین هیچ تعهدی نیز وجود ندارد که افزایش هزینه های ناشی از نوسانات بازار به این شرکتها پرداخت شود که البته ممکن است به اختلاف حاد میان پیمانکار و کارفرما تبدیل شده و عملاً روند پیشرفت عملیات توسعه میدان را نیز متوقف یا کند نماید.

و: از آنجا که در قرارداد بیع متقابل نرخ برگشت سرمایه ثابت است، لذا بطور کلی انگیزه ای برای بهبود

عملکرد یک پروژه، توسط پیمانکار ایجاد نمی کند. اگرچه ممکن است در زمانی که قیمت نفت تنزل می یابد، بنفع پیمانکار باشد.

ز: نظر به اینکه دوره قراردادهای بیع متقابل موجود کوتاه است، پیمانکار خارجی انگیزه کمی برای بکارگیری معیارهای افزایش بهره وری دارد؛ در نظر گرفتن این معیارها، حداقل به یک دوره ۲۰ ساله نیاز دارد. ضمن آنکه به همین علت پیمانکار خارجی انگیزه ای هم برای انتقال تکنولوژی به داخل کشور ندارد و علاوه بر این، با توجه به اینکه کشور صاحب منابع طبیعی نفتی، کنترل تولید و بهره برداری را به دست می گیرد، طرف خارجی حاضر به بکارگیری تکنولوژیهای برتر در بیع متقابل نخواهد بود.^۱

ح: با عنایت به اینکه شرایط این قراردادها انعطاف ناپذیر است و هیچگونه تعدیلی ملحوظ نشده، لذا در مواقعی که گسترش کار در شرایط پیش بینی نشده محتاج انجام هزینه باشد، بازپرداخت آن در ذمه کارفرما قرار نمی گیرد و بر عهده خود پیمانکار است.

ط: از چالشهای قرارداد بیع متقابل که بر کاهش رغبت پیمانکاران خارجی در انعقاد این قرارداد بسیار مؤثر است، محدود شدن پیمانکار به شروط یکجانبه کارفرما است که حتی بعضاً سلب انگیزه پیمانکار خارجی جهت سرمایه گذاری شده است.

ی: شرایط فعلی ژئوپلیتیک و استراتژیک نفت و گاز بعنوان یکی از شاخصه های قرارداد بیع متقابل، وابسته به شرایط زمانی انعقاد آن می باشد که فی الواقع چالش دیگر مؤثر بر کاهش انگیزه سرمایه گذار خارجی در صنعت نفت کشورمان محسوب می شود.

ک: از لحاظ فنی و تکنیکی در قراردادهای بین المللی بیع متقابل ریسک سرمایه گذاری بصورت کامل به پیمانکار (شرکت سرمایه گذار مجری پروژه) منتقل می شود و کارفرما هیچگونه تضمینی به پیمانکار در خصوص برگشت سرمایه نمی دهد. میزان درآمد پیمانکار از محل اجرای قرارداد در حدود ۳٪ تا ۴٪ از کل ذخیره قابل برداشت (از نظر ارزشی) خواهد بود و ۹۷٪ به کشور صاحب منابع نفتی (دولت میزبان) خواهد رسید، در صورتیکه در قراردادهای مشارکت در تولید این مقدار به ۱۰٪ تا ۱۲٪ بنفع پیمانکار خواهد بود و این امر از لحاظ مقایسه ای، از میل و رغبت سرمایه گذاری خارجی را به انعقاد قرارداد بیع متقابل می کاهد.

علی ایحال مطابق آنچه که بیان شد، می توان چالشهایی که نسلهای قبلی قرارداد بین المللی نفتی بیع متقابل با آنها مواجه بودند، را بطور اجمال بشرح ذیل دسته بندی و بیان نمود:

- ۱- تعیین سقف برای هزینههای سرمایه ای و نحوه مواجهه با عوامل غیرمترقبه فنی، مالی و قراردادی به ویژه مسائل مربوط به ناشناخته های میدان و مخزن؛
- ۲- فقدان انگیزه لازم برای پیمانکار برای تکمیل سریع عملیات توسعه و افزایش تولید مازاد بر مقدار مندرج در طرح جامع توسعه؛
- ۳- عدم انتقال مناسب فناوری، دانش فنی و آموزش نیروهای بومی؛
- ۴- ابهام در موضوع انجام کار در اجرای قراردادهای بیع متقابل؛

۵- پیامدهای منفی تغییر قوانین و مقررات کشور بر اقتصاد پروژه؛ کاهش نرخ بازگشت سرمایه به دلایل غیر انتسابی به پیمانکار؛

۶- عدم حضور و دخالت پیمانکار در فعالیت های بهره برداری و تولید؛ پیامدهای منفی بر زمانبندی و اقتصاد پروژه ناشی از تولید و برداشت صیانتی از مخزن در دراز مدت؛

۷- رعایت قانون حداکثر استفاده از توانایی و امکانات داخلی کشور مصوب سال ۱۳۷۵؛ بکارگیری نیروهای محلی و بومی؛ فقد تناسب ساز و کار بیع متقابل برای برخی از پروژه های نفتی به ویژه طرح های جدید که شامل اکتشاف و توسعه می باشد.

۸- نحوه تعیین پرداخت هزینه ها و بازگشت سرمایه به پیمانکار در قراردادهای بیع متقابل که شامل اکتشاف و توسعه است.

۹- نحوه جبران هزینه ها و ریسک پیمانکار در مرحله اکتشاف، در فرض عدم موافقت با ادامه کار پیمانکار؛

۱۰- عدم شفافیت لازم قراردادی و قانونی نسبت به ارجاع اختلافات به داوری؛ ثبت شرکتهای خارجی و وضعیت حقوقی آنها در داخل کشور؛ الزام به انعقاد قرارداد بیمه با شرکتهای بیمه ایرانی و فقد بستر حقوقی و اجرایی مناسب و لازم برای انعقاد و اجرای قراردادهای بیع متقابل.

علی ایحال آنچه مسلم است اینکه هر پیمانکار نفتی بهنگام انعقاد قرارداد برای انجام فعالیتهای مربوط با ملاحظه هزینه های مترتب بر فعالیت خود و نهایتاً برآورد درآمد و سود نهایی اقدام می کند. در این مسیر چنانچه با مطالعه و یا بر اثر تجربه دریابد که با انعقاد قرارداد و شروع فعالیت در چارچوب آن، نه تنها سودی نخواهد کرد بلکه حتی امکان بازیافت هزینه های خود را ندارد، علی القاعده از ادامه همکاری با کارفرما امتناع خواهد کرد.

بررسی عملکرد پیمانکاران بین المللی نفت حاکمی از آن است که علت عدم استقبال شرکتهای نفتی غربی از صنعت نفت و گاز ایران متن و مدلول قراردادهای بیع متقابل است. ضمن آنکه بالا رفتن سن و پیر شدن میادین نفتی و ضرورت اجرای طرح ها برای بازیافت از این میادین نیز مزید بر علت افزایش هزینه های پیمانکاران نفتی بین المللی در قراردادهای بیع متقابل سنتی بوده است و به همین دلایل در شرایط حاضر برای افزایش ضریب بازیافت، این قراردادها خیلی مفید نیستند و بیشتر در میادین که برای نخستین بار به تولید می رسند، کارایی دارند.

در کنار این چالشها، عامل مهم دیگری نیز بسیار مؤثر بوده و آن نیز تحریم های بین المللی بعنوان مهمترین مانع فعالیت شرکتهای نفتی بین المللی غربی است که البته تا زمانی که این تحریم ها مرتفع نشود، این شرکتهای رغبتی برای بازگشت به ایران نخواهند داشت.

۷- ظهور نسل جدید قراردادهای نفتی بیع متقابل ایران (IPC)

همانگونه که ملاحظه شد، نسل اول قراردادهای بیع متقابل، ناظر به مرحله توسعه بوده و زمان انجام، شرح کار پروژه و سقف هزینه ها، سه ویژگی اصلی آن بوده اند که تا پایان مرحله توسعه، بهنگام انعقاد قرارداد ثابت می ماندند و با ابتدای به این ویژگی ها، هرگونه هزینه اضافی بر مبلغ قراردادی بر عهده

پیمانکار قرار گرفته و کارفرما در قبال آن تعهدی نداشته است.

نسل دوم، شامل مراحل اکتشاف و توسعه بصورت توأمان بوده و بر این اساس ریسک اکتشاف بر عهده سرمایه‌گذار خارجی قرار می‌گرفت و علاوه بر خصوصیت مذکور، واجد خصوصیات قرارداد بیع متقابل نسل اول نیز بوده است.

در نسل سوم قراردادهای بیع متقابل که همانند نسل دوم، ناظر به توسعه توأم با اکتشاف میادین بوده، سقف هزینه‌های پروژه پس از مدت زمان معینی که درصد مشخصی از کار توسط پیمانکار انجام شد، ثابت فرض شده و در طول عمر میدان، پیمانکار با مطالعه رفتار مخزنی که کارفرما مسئول اداره آن است، می‌توانست برای توسعه مراحل بعدی مورد نظر در قرارداد اقدام و علاوه بر آن در دوره تولید بموجب قراردادی بعنوان پشتیبانی تولید، حضور یابد.^۱

بهر حال، اگرچه قراردادهای بیع متقابل نسلهای اول تا سوم قریب به بیش از دو دهه، برای کشور بسیار مفید بوده و در جهت حداکثرسازی منافع ملی از طریق بکارگیری تکنولوژیهای خاص و سرمایه خارجی به سمت توسعه صنعت نفت حرکت کرده، لیکن در وضعیت فعلی کشور علیرغم افزایش میزان ذخایر اثبات شده نفت خام قابل استحصال، آنچنانکه باید نمی‌تواند در بخشهای اکتشاف، توسعه، تولید و بهره‌برداری، سبب جذب سرمایه‌گذاران خارجی شود.^۲

با ابتدای به تجاری که از رهگذر بکارگیری نسلهای اول تا سوم قراردادهای بین المللی نفتی بیع متقابل حاصل شده و عنایت به لزوم تسریع در توسعه میادین نفتی بخصوص در میادین مشترک، و نظر به کمبود منابع مالی داخلی و فقد دانش و تکنولوژی برای فعالیتهای اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری از منابع نفتی و همچنین شرایط سیاسی فعلی کشور در روابط بین المللی، قانونگذار با وقوف به مبانی مذکور راه طراحی و تدوین نسل جدیدی از قراردادهایی که بتواند در این گذرگاههای سخت سبب حرکت توسعه نفتی کشور و تحصیل منابع مالی و ثروت شود را ترسیم و مجریان را ملزم به اقدام در این مسیر تعیین شده کرده است. در این راستا متخصصان حقوقی، فنی و مالی صنعت نفت با بررسیهایی که در اجلاس های مربوط بعمل آورده اند، نوعی قرارداد نفتی ایرانی^۳ را طراحی کرده اند که فی الواقع باید به آن عنوان بیع متقابل پیشرفته داد.

^۱ - در این نسل از قراردادهای بیع متقابل، حضور پیمانکار در مرحله تولید هم پیش‌بینی شده و سقف مبلغ قرارداد همچنان باز نگه داشته شده تا چنانچه در مسیر اجرای پروژه مشکلی حادث گردد، با لحاظ شرایط قراردادی، هزینه‌ها در سقف قرارداد ملحوظ و به آن افزوده شود. این امر در حالی است که شرح کار پروژه در مرحله توسعه متناسب با رفتار مخزن به آسانی تغییر نمی‌کند و بعبارتی انعطاف لازم در این وضعیت وجود ندارد. ضمن آنکه در صورتی که عواید حاصل از تولید میدان افزایش یابد، به سود پیمانکار افزوده نخواهد شد و دوره بازپرداخت سرمایه و سود پیمانکار محدود بوده و علاوه بر آن در صورتی که بخشی از هزینه‌ها در پایان دوره قراردادی، بازیافت نشود، قابل بازپرداخت نخواهد بود. مضافاً شرایطی که روند اجرای پروژه‌های موضوع قراردادهای بیع متقابل از حیث تأیید فنی و مالی کارفرما دارد، سبب تعویق روند انجام پروژه شده و با توجه به لزوم حضور مؤثر پیمانکار در مرحله تولید برای بهبود برنامه تولید و توسعه فازهای بعدی، کاهش سود سرمایه‌گذاری پیمانکار سبب کاهش رغبت سرمایه‌گذاران بزرگ نفتی برای حضور در صنعت نفت ایران شده است.

^۲ - کاتبی، آیه - "مختصری بر بای بک در صنعت نفت ایران" - مجله انرژی خاورمیانه امروز - سال ۱۳۹۳ - صفحه ۳۸ و ۳۹

در نسل جدید این قرارداد که فی الواقع برای توسعه و بهره برداری از میادین و مخازن نفتی است، پیمانکار و کارفرما باید در قالب یک قرارداد بین دو برنده و با هدف تولید صیانتی فعالیت کنند. بخشی از این قرارداد وابسته به سرمایه گذاری و توسعه میدان و بخش دیگر آن مربوط به دوره بهره برداری و حفاظت از میدان است. در این بخش عددی به ازای تولید هر بشکه نفت محاسبه می شود که بخشی از آن هزینه بهره برداری و بخشی سود پیمانکار است.

در مدل جدید قراردادهای بین المللی نفت، مدت زمان اجرای قرارداد بین ۲۰ تا ۲۵ سال است که بخشی از تعهدات، مربوط به دوره زمانی است تا میدان توسعه یابد و به ظرفیت لازم تولید برسد و بخش دیگر آن مربوط به دوران بهره برداری است؛ درحالیکه این مدت در مقایسه با زمان تعیین شده برای اجرای نسلهای قبلی قراردادهای بیع متقابل که بین ۴ تا ۶ سال و دوره بازگشت سرمایه نیز بین ۶ تا ۸ سال بوده؛ مبین ایجاد تغییرات شگرف در نسل جدید این قراردادها در جهت منافع ملی و همچنین ایجاد انگیزه و واکنش مثبت پیمانکاران بین المللی نفت به طراحی نسل جدید قراردادهای بیع متقابل است.^۲

علی ایحال این نسل پیشرفته قراردادهای بیع متقابل که با رفع نقایص و کاستیهای قراردادهای قبلی تدوین شده، واجد خصوصیات و ویژگی های منحصر بفردی است که راه جذب سرمایه گذاری خارجی را با رعایت مصالح کشور و حقوق پیمانکاران بزرگ نفتی در جهت حداکثر سازی منافع ملی هموار می کند.

۸- ویژگی های نسل جدید قراردادهای نفتی بیع متقابل با توجه به تحول و دگرذیسی های آن

علی القاعده قرارداد بیع متقابل در همه نسلهای آن دارای ویژگی های عمومی منحصر بفرد می باشند. بموجب این قراردادها شرکتهای نفتی خارجی بعنوان پیمانکار شرکت ملی ایران طرف قرارداد بیع متقابل واقع شده و وظیفه آنها تأمین همه سرمایه مورد نیاز عملیات اکتشاف، توسعه، نوسازی و بازسازی میادین و بهره برداری و تولید است.

بازپرداخت کلیه مخارج و هزینه هایی که پیمانکار خارجی در پروژه متحمل می شده، بهمراه بهره سرمایه های استفاده شده و نرخ سود مورد توافق، از محل درآمد حاصل از فروش محصولات، صورت می پذیرد که البته نرخ بازده سالانه سرمایه گذاری، متناسب با پروژه، متغیر بوده و در قالب اقساط مساوی به پیمانکار پرداخت می گردد.

پس از پایان دوره پرداخت اصل سرمایه و سود آن، پیمانکار دارای هیچگونه حقی در میادین نفت و

^۱ - Per Barrel

^۲ - طراحی مدل جدید قراردادهای نفتی مورد توجه و استقبال پیمانکاران نفتی بین المللی واقع شده است. بطوری که برخی از این شرکتهای نظرات و دیدگاه های خود در تنظیم این قراردادها را به تهران منتقل کرده اند. از جمله کسانی که صراحتاً راجع جذابیت مدل جدید قرارداد بیع متقابل اظهارنظر کرده، کریستوف دومارزری مدیرعامل شرکت فرانسوی توتال است. وی اعلام نموده که ایران قصد دارد به محض لغو تحریم های تجاری، ضوابط و شرایط بهتری را برای توسعه میادین نفت و گاز خود به شرکت های بین المللی نفتی خارجی پیشنهاد دهد و عزم آن دارد که قراردادهای جدید نفتی و افزایش همکاری های بین المللی را معرفی نماید، زیرا مطمئن است که تحریم ها برداشته می شود.

گاز کشور میزان نمی باشد و در خاتمه عملیات اجرایی پروژه، کنترل عملیات را به کارفرما سپرده و در هر حال در این سرمایه گذاری مشترک فاقد سهم است.

بنابراین همانگونه که ملاحظه می شود، در بیع متقابل پیمانکار خارجی وظیفه تأمین مالی طرح، مسئولیت اجرایی و مهندسی، سفارشات، ساخت و نصب، درخواست تصویب آن از کشور صاحب منابع نفتی بوسیله کمیته مشترک مدیریت، انتقال تکنولوژی، آموزش و راه اندازی میدان پس از توسعه و بهره برداری آنرا بعهده دارد و کلیه مراحل مذکور تحت نظارت فنی و مالی دولت میزبان صورت می گیرد.

اگرچه پروژه ها از آن جهت که همگی در میداین دارای ذخایر اثبات شده نفت و گاز به اجرا در می آیند، فاقد خطر پذیری اکتشاف اند و خطر پذیری قیمت پروژه نیز به کارفرما منتقل و پرداخت وجوه مورد توافق تضمین می شود؛ مع الوصف، ریسک پیمانکار در سرمایه گذاری از طریق قراردادهای بیع متقابل، که امری علیحده از قیمت پروژه می باشد، از ویژگی های این قرارداد بین المللی نفتی است که به دو گروه عمده تقسیم می شود. نخست، عدم دسترسی به تولید کافی ناشی از کاهش نفت قابل برداشت در مخزن برای بازپرداخت هزینه ها و دوم، افزایش هزینه های سرمایه ای مورد نیاز پروژه از سقف قرارداد به دلایل غیر منتسب به مدیریت بهینه پیمانکار مانند مؤلفه های ناشناخته میدان.

پذیرش ریسک سرمایه گذاری و احیاناً اجرای قرارداد زیر سقف قرارداد، وابسته به توان مالی پیمانکار و انگیزه ای است که برای اجرای پروژه در کشور میزبان دارد. در اکثر قراردادهای بیع متقابل هزینه های سرمایه ای نسبت به سقف مبلغ مندرج در قراردادها افزایش داشته، در عین حال شرکتهای بزرگ و معتبر بین المللی طرف قرارداد به تعهدات قراردادی خود پایبند بوده و طرحهای اجرایی را با هزینه های خود تکمیل کرده و به شرکت ملی نفت تحویل داده اند.

بهر حال آنچه از رهگذر تحوّل و دگرذیسی قراردادهای بین المللی نفتی بیع متقابل منبعت از رویکردهای حقوقی و فنی مؤثر در طراحی و تدوین نسل جدید آنها، بعنوان مهمترین ویژگیهای مربوط قابل توجه می باشد، بشرح ذیل است:

الف) الحاق مرحله تولید به مرحله توسعه

از مهمترین ویژگی های منحصر بفرد نسل جدید قراردادهای نفتی بیع متقابل، الحاق مرحله عملیات بهره برداری یا تولید به مرحله توسعه است. به عبارت دیگر، نتیجه حاصل از اجرا و مدت زمان قرارداد سابق که فقط شامل مرحله توسعه تا تولید اولیه و مدت زمان محدودی برای تولید آزمایشی بود، به مدت زمان تعهدات و حضور پیمانکار در پروژه برای بهره برداری و تولید افزوده شده است. بدین ترتیب،

^۱ موضوع شرکت اینپکس بسیار نادر است، زیرا سابقه نداشته پیمانکار بیع متقابل بی درنگ پس از انعقاد قرارداد و قبل از اجرایی کردن عملیات توسعه و انجام شرح کار مندرج در DMP تقاضای اصلاح سقف قراردادی و مذاکره مجدد روی قیمت قرارداد کند. شرکت توتال بعنوان شریک «اینپکس» برای حضور در این طرح پیشنهاد مشارکت ۱۵ درصد از سهم میدان آزادگان با شرکت اینپکس را داده که مورد موافقت شرکت ملی نفت قرار گرفته و در صدد ارائه ضمانتنامه از شرکت مادر خود در فرانسه بوده تا به محض ارائه چنین ضمانتنامه ای این مشارکت قطعیت یابد. شرکت اینپکس بارها اعلام کرده که به اجرای این پروژه پایبند است و تصمیم دارد این پروژه را اجرا کند، لیکن مقامات شرکت ملی نفت ایران چندین بار آشکارا تقاضای شرکت اینپکس مبنی بر ازدیاد سقف هزینه های سرمایه ای مندرج در قرارداد اولیه را رد کرده اند.

نرخ پرداخت هم با مکانیسمی خاص و غیرخطی به سمت «به ازای هر بشکه» تولید نفت رفته است، اگرچه مکانیسم پرداخت سابق برای مرحله توسعه با اصلاحاتی به همان صورت باقی خواهد ماند.

ب) رویکرد خدماتی و واگذاری مدیریت و راهبری چاه های نفت و گاز طراحی نسل جدید قراردادهای بیع متقابل با رویکرد خدماتی و واگذاری مدیریت و راهبری چاه های نفت و گاز بمنظور جذب سرمایه گذاران داخلی و خارجی صورت پذیرفته که ویژگی خاص این نسل و از مهمترین مؤلفه های تحول و ارتقاء بیع متقابل محسوب شده و خصوصیت منحصر به فردی است که با دوراندیشی لازم در راستای برخورداری عادلانه طرفین قرارداد از مزایای بیشتر آن و حفظ منافع ملی کشور ملحوظ شده است.^۱ نسل قبلی قرارداد بیع متقابل ایران از سوی دولت عراق الگو برداری شده و با تغییراتی در آن کشور در مقطعی به اجرا درآمده است؛ لیکن بعثت وجود همان نقاط ضعف، رفته رفته قراردادهای دیگری جایگزین آن می شوند.^۲

ج) توسعه میادین مشترک ویژگی دیگر ناشی از تحول اخیر در قراردادهای نفتی بیع متقابل، امکان انعقاد آن برای توسعه میادین مشترک است. توسعه و افزایش تولید از میادین مشترک نفتی با استفاده از قراردادهای جدید در اولویت قرار دارد.

د) انعطاف پذیری قراردادهای بیع متقابل اصولاً قرارداد نفتی باید متناسب با شرایط پروژه در مرحله اجرا مورد بازنگری قرار گرفته و از انعطاف لازم برخوردار باشد تا با لحاظ حفظ منافع طرفین در جهت استمرار فعالیت توسعه ای کشور سبب

^۱ - با توجه به لزوم قانونی سرمایه گذاری بمیزان حداقل حدود ۲۰۰ میلیارد دلار در بخش بالادستی صنایع نفت و گاز در برنامه پنجم توسعه و وجود شرایط تحریم، تدوین و رونمایی از قراردادهای جدید بیع متقابل بمنظور افزایش انگیزه اقتصادی سرمایه گذاران داخلی و خارجی بسیار با اهمیت است. همانگونه که بیان شد، این قراردادهای جدید مطابق با دستورالعمل اجرایی بند یک ماده ۱۲۵ قانون برنامه پنجم توسعه تهیه و پیش نویس آن برای تصویب به شورای اقتصاد ارسال شده تا ضمانت اجرایی در صنعت نفت کشور پیدا کند.

^۲ - عراق با انجام دو مناقصه توسعه و برگزاری یک مناقصه اکتشاف و توسعه، بیش از ۲۰ قرارداد بزرگ توسعه میادین نفت و گاز و بلوک های اکتشافی را به کنسرسیومی از شرکتهای خارجی واگذار کرد. در این قراردادها برخلاف قراردادهای بیع متقابل، بندی گنجانده شده که مطابق با آن میزان پاداش از محل هر بشکه تولید نفت پرداخت می شود و شرکت خارجی هم برای دریافت درآمد بیشتر با اجرای روش های صیانتی قصد دارد در بلندمدت بیشترین استخراج نفت را از مخازن هیدروکربوری داشته باشد. از سوی دیگر دولت برای توسعه این میادین ۳۵٪ مالیات در قراردادهای وضع کرده، بطوری که تاکنون با واگذاری این میادین نفتی درآمدی چندین میلیارد دلاری از محل اخذ مالیات کسب کرده است. به اعتقاد کارشناسان حقوقی قراردادهای بیع متقابل عراق نوعی قرارداد خدماتی است و شرکت ملی نفت ایران هم قصد دارد در نسل جدید قراردادهای بیع متقابل از قراردادهای جدید خدماتی با مزیت هایی بیشتر را رونمایی کند. در اینصورت پیمانکاران در بلندمدت با اتخاذ سیاست های برداشت صیانتی علاوه بر در اختیار داشتن چاه های نفت، پاداش خود را از محل تولید هر بشکه نفت و یا هر مترمکعب گاز طبیعی برداشت می کنند.

پویایی آن گردد. بنابراین قرارداد متناسب با شرایط توسعه یافتگی، فناوری و مدیریتی کشور و با لحاظ رقابتی بودن بازار نفت دنیا تنظیم می شود تا در شرایط رقابتی پاسخگوی نیاز صنعت نفت باشد. تبدیل صنعت نفت به عامل محرک در عرصه فعالیت‌های توسعه ای از طریق ایجاد جذابیت های لازم با جذب سرمایه خارجی، ملازمه با ایجاد انعطاف در این نوع از قراردادهای دارد که البته باید بگونه ای بازنگری شود که تضمین کننده منافع ملی باشد. این قراردادهای جدید نفتی نیاز به تغییر یا تصویب قوانین تازه برای بازنگری ندارند و در چارچوب قوانین جاری کشور قابلیت اصلاح دارند. در باب انعطاف قراردادی آنچه حائز اهمیت است اینکه در هر حال چارچوب، اصول و محورهای ساخت و همچنین نظام حقوقی حاکم بر آن حفظ خواهد شد، لیکن ممکن است مفاد قرارداد بسته به شرایط مخزن و خواست طرف قرارداد مواجه با تغییراتی شود. علی القاعده تدوین مناسب ترین ساختار حقوقی برای قراردادهای نفتی کاری پیچیده و قرارداد حقوقی یک بسته جامد است، لیکن مخزن نفت مانند یک موجود زنده رفتاری متغیر دارد؛ بنابراین از آنجا که رفتار نقطه به نقطه مخازن نفتی در حال تغییر و دگرگونی است، متناسب سازی به موقع و بدون تأخیر قراردادهای هم ضروری است و شاید بر همین اساس، لازم باشد که شیوه مدیریت مخازن هم اصلاح شده و مدیریت مجزایی برای هر میدان - که متشکل از متخصصین حرفه ای است - اعمال شود. علی‌رغم آنکه در قراردادهای بالادستی نفت و گاز یک طرح جامع توسعه (MDP) اولیه^۱ وجود دارد که بر اساس اطلاعات اولیه مخزن تعیین می شود، لیکن رفتار مخزن بر اساس مشخصات میدان و سنگ در طول دوره تولید، اطلاعات دقیقتری بدست می دهد که مستلزم انعطاف قراردادی برای اصلاح طرح جامع توسعه در ادامه مسیر اجرای عملیات پروژه است. بنابراین اگرچه اینگونه بنظر می رسد که نسل چهارم قراردادهای بین المللی نفتی بیع متقابل، در صدد رفع کاستیها و بیان بایسته های لازم در مسیر روابط حقوقی، مالی و فنی بین کارفرما و پیمانکار است، لیکن در نگاه دقیقتر، این دگرذیسی و تحوّل صرفاً معطوف به چارچوب های قراردادی نیست، بلکه متضمّن و مبین طرح کلی توسعه است.

ه) انتقال دانش فنی و کسب فناوری های جدید.

از جمله ویژگی های نسل جدید قرارداد بین المللی نفتی بیع متقابل، که در زمره رویکردهای اصلی طراحان آن بوده، انتقال دانش فنی به داخل کشور و کسب فناوری های جدید در این عرصه است که از طریق آنها پیمانکار خارجی در چارچوب قراردادی، دانش فنی مربوط را به کارشناسان کارفرما منتقل و با استفاده از تکنولوژی روز، فناوری های جدید دنیا را در این عرصه وارد صنعت نفت کشور می نماید. البته لازم به ذکر است عدم انتقال دانش فنی در نسلهای قبلی قراردادهای نفتی بیع متقابل، بیشتر

^۱ - Master Development Plan (MDP) is the ultimate objective of most of the full field integrated studies. It is designed to maximize the field production and optimize the MDP is a real objective in terms of reservoir management and surface facilities performances. The integration of simulation results and surface versus sub-surface field behaviors is the success key for production improvement. However, The need for Master Development Plan requires involving many specialists: reservoir engineers, simulation experts, field engineers, field architects, drilling/completion engineers... The benefit, i.e. is a better understanding of the field potential by through the improvement of wells' placing, completion, artificial lift and reduction of bottlenecking whatever is the selected production scenario and existing facilities.

معلول فقدان مکانیزم انتقال فناوری و بکارگیری نیروهای نامتناسب بود.

(و) تمایل قرارداد بیع متقابل به مشارکت در سرمایه گذاری

با ملحوظ داشتن مکانیزم مشخصی برای انتقال دانش فنی، در نسل جدید قرارداد بین المللی نفتی بیع متقابل، شرکتهای توانمند داخلی از طریق مشارکت با شرکتهای خارجی^۱ در فعالیتهای موضوع این قراردادها شرکت کرده و نتیجتاً صنعت بومی نفت و گاز تقویت خواهد شد؛ لذا انعقاد و اجرای این نسل از قراردادها بگونه ای است که همزمان با تسهیل استفاده از دانش فنی شرکتهای بین المللی، توانمندی شرکتهای داخلی نیز افزایش یافته و صنعت داخلی امکان ایجاد ساختارهای لازم و رشد منظم و همزمان را در کنار پیمانکاران بزرگ نفتی بین المللی نظیر شل، توتال و ... می یابد و در آینده می تواند بصورت مستقل در صحنه های بزرگ بین المللی حضور یابد.

در این قرارداد زمینه همکاری شرکتهای خصوصی ایرانی با شرکتهای خارجی و شرکت ملی نفت فراهم شده و در فرض انعقاد قراردادی با شرکتهای خارجی، حجم عمده ای از موضوع و عملیات اجرایی پیمان بموجب قانون استفاده از حداکثر توان فنی و مهندسی، تقریباً تا ۵۱٪ توسط شرکتهای ایرانی انجام خواهد شد. مجری ضمن برنامه ریزی برای توسعه و کنترل کیفی، دانش فنی لازم را نیز به داخل منتقل کرده و اجرای کار را بر عهده شرکتهای ایرانی می گذارد.

این ساختار حقوقی جدید ایرانی که در واقع یک قرارداد بین المللی نفتی بیع متقابل پیشرفته^۲ می باشد و به سمت مشارکت در سرمایه گذاری^۳ بین شرکتهای خصوصی ایرانی با یک شرکت معتبر نفتی بین المللی^۴ متمایل شده، در تحلیل محتوایی مربوط بطور ضمنی در صدد ترسیم مسیر حرکت وزارت نفت در اکتشاف، توسعه، بهره برداری و تولید به سمت مقصد معینه در قوانین بالا دستی و چشم انداز توسعه کشور است و علاوه بر آن مبین تکلیف بخش خصوصی در شناسایی اهداف دراز مدت مربوط برای سامان دهی امور مربوط، برنامه ریزی لازم همراه با سازمان مناسب است تا وضعیت و موقعیت خود را هماهنگ با پیشرفت های تکنیکی روز ارتقاء دهد.

هر شرکت ایرانی دارای قابلیت تشکیل جوینت ونچر با شرکتهای نفتی معتبر بین المللی، با اثبات خود به آنها از رهگذر انعقاد این قرارداد بین المللی پیشرفته می تواند در اجرای پروژه های نفتی و گازی ایران فعالیت نماید.

(ز) بوکینگ یا رزرو ذخایر در ترازنامه

از تحولات شگرف بیع متقابل که ویژگی برجسته مالی نسل جدید این قرارداد محسوب می گردد،

^۱ - A joint venture agreement establishes a joint venture between two or more companies. The agreement may establish a business purpose, governance structure and operational rules for the joint venture. The agreement should also set forth the terms and conditions under which the joint venture may be terminated, as well as the choice of law and venue for resolving any disputes. In fact, This Model Contract is not a framework for a joint venture between two Parties to establish a jointly-owned company ("JVC").

^۲ - Iran petroleum contract(IPC)- In fact, that is an International developed buyback contract.

^۳ - Joint venture

^۴ - International Oil Company (IOC)

بوکینگ یا رزرو^۱ است. به این مفهوم که شرکت بین المللی نفتی خارجی مایل است بجای نفت، که یک بار تولید و به فروش می رسد؛ در ترازنامه خود، ذخایر نفتی را که به سادگی با اضافه کردن دارایی های جدید جایگزین می شود، رزرو نماید. بطور کلی این ذخایر با استفاده از یک مدل جریان نقدی تنزیل شده^۲ در برابر قیمت آینده نفت، ثبت می شود.^۳

در مؤلفه بوکینگ ذخایر در قراردادهای جدید بیع متقابل، فرصتی برای شرکت سرمایه گذار بین المللی خارجی ایجاد شده تا با ثبت ارزش ذخایر مخزن موضوع قرارداد، که در آینده قابل حصول است، در ترازنامه مالی خود بعنوان دارایی قابل حصول در یک مدل جریان نقدی تنزیل شده، امکان آنرا بیاید در بازارهای بین المللی منجمله بورس، ارزش سهام خود را حفظ کرده و یا ارتقاء داده و از این رهگذر نیز منفعتی برای خود و صاحبان سهام مربوط تحصیل نماید.^۴

بموجب قراردادهای نفتی بیع متقابل، به هیچ وجه اصل ذخایر نفتی قابل رزرو در ترازنامه شرکت های خارجی نمی باشد؛ زیرا وفق قوانین ایران نفت و گاز موجود در زیر زمین و بطور کلی منابع نفتی، انفال بوده و متعلق حق ملت ایران است و مالکیت آن قابل انتقال نمی باشد. بنابراین، نه تنها طرح این موضوع که در صورت عدم اذن به شرکت خارجی به ثبت ذخایر نفتی موجود در زیر زمین بنام دارایی خود در ترازنامه مربوط، تأمین مالی برای توسعه میادین جدید دشوار شده و بودجه جاری نیز برای کفاف آنرا نمی کند و در نتیجه اجرای عملیات پروژه تولید اساساً گران تر می شود، بدون ارائه هرگونه راه حلی در اینخصوص، راهگشا نخواهد بود؛ همچنین متقابلاً صرف ثبت میزان سهم پیمانکار از نفت و گاز قابل استحصال نیز بمنزله انتقال اصل ذخایر نفتی کشور به بیگانه نیست. چنانچه بتوان با اتخاذ تدابیر مقتضی، فرصتی برای شرکت سرمایه گذار بین المللی ایجاد نمود تا با رعایت دقیق قوانین و مقررات و حفظ چارچوب های قراردادی و مصالح ملی، امکان بهره مندی از مزایای انعقاد قرارداد نفتی از طرق مختلف منجمله برآورد ارزش قراردادی و بهای سهم درآمد وی از محل نفت موجود در مخزن موضوع قرارداد و ثبت آن بعنوان ارزش ذخایر نفتی قابل استحصال در کل دوران قرارداد وجود داشته باشد، تحقیقاً و تصدیقاً سبب ایجاد انگیزه برای سرمایه گذاری در کشور و کاهش هزینه تولید نفت خواهد شد.

رزرو ارزش نفت یا گاز سهم برآوردی پیمانکار که از میدان و مخزن قابل استحصال است، در ترازنامه

^۱ - Booking is recorded for future income recoverable oil in the oil wells

^۲ - DCF (discounted cash flow).

^۳ - علی الاصول ذخایر نفت و گاز به سه دسته تقسیم می شوند: اثبات شده، امکان پذیر و محتمل. بطور طبیعی ذخایر اثبات شده بیشترین ارزش را دارند؛ زیرا شناخته شده، در حال استخراج بوده و وجود دارند. علاوه بر این، برخی از ذخایر نیز شناخته شده و قابل استخراج می باشند. ذخایر محتمل اگرچه ذخایری هستند که احتمال استخراج آنها وجود دارد، لیکن واجد ارزش کمی کمتری اند.

^۴ - بعنوان مثال، فرض شود یک شرکت پیمانکار خارجی سرمایه گذار بعد از دوره اکتشافی، مخزنی با قابلیت تولید را ارائه کند؛ در این حالت در ضمیمه صورتهای مالی به ازای نوع قرارداد می تواند برآورد آتی درآمد خود را افشاء کند، یعنی اگر مدت قرارداد ۲۰ سال باشد، وی می تواند برآورد ۲۰ ساله حاصل از این مخزن را در اولین سال مالی خود، بعنوان مثال ۵ میلیارد ریال، اعلام کند و به مجردی که قرارداد قطع شد، باید گزارش مالی خود را تغییر دهد.

شرکت سرمایه گذار خارجی برای افزایش سرمایه، منافاتی با مالکیت ایران بر منابع نفتی مربوط ندارد؛ زیرا وی بر مبنای توافق قراردادی مستحق اجرت و بازایافت سرمایه مربوط است و نتیجتاً مادام که نفت یا گاز در واقع امر تولید و فروخته نشده، وجهی دریافت نخواهد کرد، لیکن به میزان معینه در قرارداد مستحق دریافت مابه‌الازاء مربوط است و ثبت این مابه‌الازاء برآوردی در طول مدت قرارداد در ترازنامه شرکت سرمایه گذار با درج شرط تغییر بدون ادعای گزارش مالی و قطع جریان ثبت در ترازنامه و رفع آثار مالی و حقوقی آن بمحض انقطاع قراردادی (بهر شکل و دلیلی که صورت پذیرد) بنظر نمی‌رسد که تعارضی با قوانین ایران و حقوق مالکیت ملت بر منابع نفتی داشته باشد؛ لیکن در تنظیم مفاد قرارداد باید هوشمندانه توجه داشت تا هیچگونه حقی برای طرف مقابل به ادعای تعلق آن به وی ایجاد نشود تا بتواند در فرض حدوث اختلاف قراردادی، مبادرت به طرح دعوی برای مطالبه مابه‌الازای آنرا نماید.^۱

ح: سایر ویژگی‌ها

علاوه بر ویژگی‌های فوق‌الاشاره، طولانی شدن زمان قراردادها، اعطای امتیاز به پروژه‌های مربوط به مناطق دارای ریسک، توجه به توسعه صیانتی مخازن، تضمین منافع طرفین، رویکرد بُرد- بُرد، کاهش قوانین دست و پاگیر اداری، شفافیت بیشتر مفاد قرارداد و حداکثرسازی منافع ملی از جمله ویژگی‌های دیگر نسل جدید قراردادهای بین‌المللی نفتی بیع متقابل ایران خواهند بود.

علی‌ایحال با لحاظ آنچه که بعنوان مهمترین ویژگی‌های این نسل بیان شد، در توسعه بخش بالادستی صنایع نفت و گاز ایران فعالیتهای متعددی دیده شده که علاوه بر ویژگی‌های موصوف، بعنوان برخی از مهمترین آنها در این زمینه ذیلاً اشاره می‌شود:

۱- در قراردادهای اکتشافی، پیمانکار باید عملیات اکتشاف شامل لرزه نگاری، حفاری اکتشافی را به منظور کشف یک میدان تجاری انجام دهد و کُل ریسک فعالیت‌های اکتشافی را نیز برعهده بگیرد.

۲- توسعه میداین نفت و گازی براساس رفتار مخزن انجام خواهد شد، بطوریکه توسعه ابتدا با تولید زودهنگام^۲ آغاز و براساس رفتار مخزن فازهای مختلف توسعه‌ای تعریف می‌شود.

۳- در توسعه میداین، سقفی برای انجام هزینه‌های سرمایه‌گذاری تعبیه نشده و کارشناسان کارفرما بصورت سالانه رفتار مخزن را پایش و بررسی کرده و سپس بودجه توسعه آنرا تصویب و به پیمانکار ابلاغ می‌کنند.

۴- در نسل جدید قراردادهای بیع متقابل، نظام پاداش تعریف شده و چنانچه پیمانکاری با کاهش هزینه‌ها، صرفه‌جویی در مراحل مختلف توسعه میدان را در دستور کار قرار دهد، مشمول پاداش‌هایی

^۱ -Caroline Hornby. "Iran's New Oil Contracts Won't Allow Reserves Booking", Written on March 12, 2014 in Iran. available at <http://www.oilgaspost.com/2014/03/12/> "foreign oil companies hoping to invest in Iran as sanctions are relaxed won't be able to count Iranian reserves among their assets under the draft terms of new contracts." The ability to book reserves is an important valuation metric for oil companies, so this does come as a blow to international oil companies eyeing opportunities in the region. Instead, foreign investors may be allowed to wholly own Iranian oil services companies, or to partner with them in joint ventures internationally as Iran seeks to expand its oil interests overseas. These options may be an intriguing option to companies that are otherwise disappointed by the inability to book reserves.

^۲ - Early Production

خواهد شد.

۵- میزان سود پیمانکار برای توسعه میادین نفت و گاز مطابق با میزان افزایش تولید نفت و گاز و با احتساب اعمال قواعد تولید صیانتی محاسبه خواهد شد و برخلاف مدل های قراردادی عراق، میزان سود عدد ثابتی نیست، بلکه براساس میزان افزایش تولید این پاداش افزایش یا کاهش می یابد.

۶- با تعبیه مکانیزمی در نسل جدید این قرارداد، انعطاف لازم برای توسعه میادین نفت و گاز خشکی و دریایی، اکتشافی، میادین با ریسک بالای توسعه، توسعه میادین آبهای عمیق و میادین در حال توسعه بمنظور افزایش ضریب بازیافت از طریق انعقاد این قرارداد فراهم شده است و بدین ترتیب قرارداد بیع متقابل جدید، قراردادی منعطف برای شرایط مختلف محسوب می گردد.

۷- تکمیل و هماهنگی بین زنجیره اکتشاف، توسعه و بهره برداری سبب افزایش انگیزه سرمایه گذاران داخلی و خارجی و حتی امکان رقابت بیشتر پیمانکاران ایرانی و خارجی به منظور صادرات خدمات فنی و مهندسی می شود که البته از رویکردهای اصلی طراحی و ویژگی منحصر بفرد این نسل از قرارداد بین المللی نفتی بیع متقابل است.

بنابراین با توجه به این ویژگی ها، قرارداد مذکور از آن جهت که مهمترین ابزار جذب سرمایه خارجی و انتقال دانش فنی به داخل است، متضمن صرفه جویی در منابع ارزی کشور بوده و در عین حال از آن جهت که شرکت خارجی متعهد به بکارگیری مدرن ترین تکنولوژی و فناوریهای پیشرفته برای توسعه میادین و تولید صیانتی نفت از مخازن در دراز مدت است، با لحاظ خصوصیت جوینت ونچری که در نسل جدید این قرارداد ملحوظ شده، سبب آموزش نیروهای داخلی و پرورش استعدادها و توانمندی و ارتقاء تجربه و تخصص شرکتهای داخلی برای فعالیت در این عرصه می شود. علاوه بر آن، از آنجاکه شرکتهای سرمایه گذار خارجی بعنوان پیمانکار پروژه از رهگذر ازدیاد تولید و فروش محصول، به منابع و سود بیشتری نائل می شوند و تلاش خواهند نمود تا تولید بیشتر گردد، سبب افزایش صادرات کشور می شود. ضمن آنکه با بکارگیری نسل جدید قراردادهای نفتی بیع متقابل و اکتشاف و توسعه میادین جدید بویژه در حوزه میادین مشترک، ازدیاد تولید نفت و گاز محتاج بازارهای جدید فروش و کسب سهم بیشتری در بازار نفت دنیا خواهد بود؛ لذا با برون رفت از وضعیت فعلی سیاسی بین المللی و انعقاد قراردادهای نفتی جدید، بستر کسب بازارهای جدید فراهم خواهد شد که فی حد نفسه در تقویت مناسبات بین المللی و روابط سیاسی کشور و توسعه امنیت پایدار ملی مؤثر خواهد بود.

نتیجه

همانگونه که بیان شد، تحقیقاً ظهور بیع متقابل بعنوان قرارداد بین المللی نفتی در ایران، مرهون قانونگذاری از سال ۱۳۵۳ به بعد است. بموجب این قوانین، منابع نفتی جزء انفال و صنعت نفت ایران ملی و اعمال حق مالکیت ملت ایران در زمینه اکتشاف، توسعه، تولید و بهره برداری از منابع نفتی در سرتاسر کشور و فلات قاره منحصراً بعهده شرکت ملی نفت ایران است که رأساً و یا بوسیله نمایندگی ها و پیمانکاران خود در آن باره اقدام خواهد کرد.

با انعقاد اولین قرارداد بیع متقابل در سال ۱۳۷۴ که تمرکز اصلی آن روی توسعه بود، حجم

سرمایه‌گذاری نیز دارای سقف محدودی بود که در آغاز قرارداد مشخص می‌شد. نسل اول قراردادهای بیع متقابل، برای حضور کوتاه مدت پیمانکاران خارجی با هدف توسعه میدان قدیمی که بعثت گذشت زمان نیازمند بازسازی و افزایش میزان برداشت بودند، طراحی شد. بتدریج در سنوات بعد نیاز به کشف میدان جدید و سرمایه‌گذاری در این حوزه سبب تحوّل در این قرارداد و ظهور نسل دوم بیع متقابل شد.

نسل دوم قرارداد بیع متقابل ناظر به اکتشاف و توسعه بوده که با توجه به ضرورت بهره‌برداری از میدان بکر، مدل جدید این قرارداد که امکان حضور پیمانکار در هر دو مرحله اکتشاف و توسعه را فراهم آورد، تدوین شد. در این ساختار جدید، مرحله اکتشاف نیز موضوع مناقصات بین‌المللی قرار گرفت و سقف قرارداد نیز بر اساس قیمت کشف شده از مناقصه‌ای فرعی و در آستانه آغاز عملیات اجرایی، تعیین می‌گردید. پیمانکار خارجی با پذیرش ریسک و به هزینه خود اقدام به جستجو و اکتشاف میدان نفتی جدید می‌نمود و در صورت کشف نفت به میزان تجاری، از حق ترجیحی برای مذاکره و انعقاد قرارداد توسعه برخوردار می‌گردید.

در نسل سوم این قراردادها با توجه به انگیزه اصلی حرکت از نسل اول به سمت نسل دوم که افزایش منافع کارفرما از طریق اکتشاف ذخایر جدید هیدروکربوری و فی الواقع در مقام پاسخ به یکی از دغدغه‌های اساسی پیمانکاران خارجی در زمینه ریسک ناشی از افزایش غیرقابل پیش‌بینی هزینه‌های سرمایه‌ای عملیات توسعه بود، کاستیها و ضعفهای دو نسل پیشین از حیث تعهدات متقابل پیمانکار و کارفرما تا حدودی مرتفع و شیوه پرداخت حق الزحمه و پاداش نیز اندکی تغییر نمود و به‌رحال با استفاده از این سه نسل قراردادهای بیع متقابل، تاکنون ۶۰۰ هزار بشکه در خشکی و دریا به ظرفیت تولید روزانه کشور افزوده شده است.

مع الوصف، بمنظور جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی نسل جدیدتری از قراردادهای بیع متقابل با رویکرد خدماتی و واگذاری مدیریت و راهبری چاه‌های نفت و گاز به سرمایه‌گذاران در حال ظهور می‌باشد که با نسل‌های قبلی متفاوت است. این بیع متقابل پیشرفته، علاوه بر اینکه شامل مراحل اکتشاف و توسعه است، شامل مرحله تولید و بهره‌برداری نیز می‌باشد. این مراحل در قالب یک قرارداد به یکدیگر ملحق شده و با مدت زمان طولانی و شرایط مطلوب مالی، درحالی‌که محتوای متمایل به مشارکت در سرمایه‌گذاری است، به پیمانکار واگذار می‌شود.

بنظر می‌رسد قرارداد جدید آنچنانکه باید از نوع قراردادهای خدمت و یا مشارکت در تولید نباشد، زیرا مدل پیشرفته‌ای از قراردادهای بین‌المللی نفتی بیع متقابل است که مفهومی، شفاف و بر محور مشارکت داخلی در ساختار حقوقی مشترک و بلندمدت با سرمایه‌گذاران خارجی با رعایت حقوق پیمانکار و لحاظ سود متعارف و متقارن قراردادهای فعلی نفتی دنیا توأم با حفظ منافع ملی در افق و چشم‌انداز درازمدت می‌باشد.

یکپارچگی مراحل اکتشاف، توسعه و تولید در قالب یک ساختار حقوقی تحت نظام بُرد-بُرد با طرفهای خارجی بصورت همکاری و مشارکت برای اجرای پروژه از طریق صدور پروانه‌های اکتشاف، توسعه و تولید همراه با نظارت عالی وزارت نفت و توأم با ملحوظ داشتن منافع پیمانکار و کارفرما و هم‌راستا نمودن

این منافع، ضمن آنکه مستلزم تغییر ساختارهای داخلی موجود است، سبب می‌شود تا توسعه میدان نفتی توأم با استفاده از روشهای ازدیاد برداشت، بصورت مرحله به مرحله در یک دوره بلند مدت صورت پذیرد. طراحی قرارداد جدید بیع متقابل در قالب نظام همکاری و مشارکت بین طرفین، چهره بارز تحوّل قرارداد بین‌المللی نفتی بیع متقابل در جدیدترین نسل آن است. بلند مدت بودن قراردادها، از شاخصه‌های اصلی و خروجی این نسل از قراردادهای بیع متقابل می‌باشد، تا برای انجام سرمایه‌گذاری کلان که متضمّن سه متغیر اصلی اجرای پروژه‌های بزرگ صنعتی شامل سرمایه، تکنولوژی و نیروی انسانی متخصص است، منجر به تحقق نتایج مثبت که تضمین‌کننده منافع ملی و شتاب دهنده توسعه صنعت نفت و ثبات در بازار تولید و فروش نفت می‌باشد، با رعایت حقوق و منافع مطلوب سرمایه‌گذار خارجی، گردد.

منابع و مآخذ

- ۱- ابراهیمی، نصرالله- ۱۳۸۴- اصلاح یا جایگزینی قراردادهای بیع متقابل، راهکار یا ضرورت- شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی(شانا)
- ۲- ابراهیمی، نصرالله- تحولات معاصر در صنعت بالا دستی نفت و گاز- طراحی و پیشنهاد نسل جدید قراردادهای بالادستی E&P- کنفرانس راهکارهای تحول نظام توسعه و بهره برداری در بخش بالادستی نفت و گاز- www.upstream.ir
- ۳- اصغر زاده، عبدالله(۱۳۷۴)- آشنایی با تجارت متقابل- موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی-
- ۴- ایرانپور، فرهاد(۱۳۸۹)- مالکیت و مفهوم آن در قراردادهای نفتی- فصلنامه حقوق- مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی- دوره ۴- ش ۱
- ۵- پاک ذات و نیکوگفتار - نظرات مخالفین و موافقین قراردادهای بیع متقابل - www.icmstudy.ir
- ۶- دبیرخانه منشور انرژی(۱۳۸۴)، متن معاهده منشور انرژی و ضامم آن، ترجمه مسعود طارم سری و مسعود هاشمیان، مؤسسه مطالعات بین المللی انرژی.
- ۷- صادقی، جوانمرد (۱۳۸۳)- جنبه های حقوقی قراردادهای سرمایه گذاری بیع متقابل، مجله پژوهش های حقوقی، سال سوم،
- ۸- کلاویوم، اشمیتوف (۱۳۹۰)- حقوق تجارت بین الملل، جلد اول، ترجمه شده زیر نظر دکتر بهروز اخلاقی، انتشارات سمت.
- ۹- محبی، محسن(۱۳۸۶)- مباحثی از حقوق نفت و گاز در پرتو رویه داوری بین المللی، نشر مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی.
- ۱۰- نصیری، مرتضی(۱۳۸۳)، حقوق تجارت بین المللی در نظام حقوق ایران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- ۱۱- نیکدل دلارام-(۱۳۹۳) بررسی کلی قرارداد بیع متقابل در صنایع نفت و گاز- oillaw.blogfa.com/tag
- ۱۲- نیکدل دلارام(۱۳۹۲)- میدان های نفتی ایران - - oillaw.blogfa.com/tag
- 1- Abdolhossein Shiravi and Seyed Nasrollah Ebrahimi (2006), Exploration and Development of Iran,s Oilfields Through Buy-back, Natural Resources Forum 30
- 2- Blin, Keith W.(1986). Clause Duval, International Petroleum Exploration and Exploitaation Agreement, The Barrows Company INC, New York.
- 3- Ernest E. Smith and others (2000), International Petroleum Transations, second edition, Rocky Mountain Mineral Law Foundation, Denever.
- 4- Groenendaal, Willem J.H. van, Mohammad, Mazraati, (2006), A Critical Review of Iran's Buyback Contracts", Energy Policy, 34, 3709-3718.
- 5- Haidar, J.I. , 2014. "Sanctions and trade diversion: Exporter-level evidence from Iran," Paris School of Economics, Mimeograph
- 6- Hooman Farnejad, How Competitive Is The Iranian Buy-Back Contracts In Comparison To Contractual Production Sharing Fiscal System?, Hfarnejad@marathonoil.com
- 7- J.C Peurify (1967), Rights of Parties to Service Contracts, Rocky Mt. Min. L. Inst. 403-24.
- 8- Justyna Pawlak. "Insight: How European courts are dismantling sanctions on Iran". REUTERS, 15 July 2013.
- 9- Keddie, Nikki R. [2003-10-01]. «Politics and Economics in Post-Khomeini Iran», Modern Iran: Roots and Results of Revolution. Yale University Press, 265. ISBN 0-300-09856-1.Retrieved 15 July 2013



- 10- M. Sonarajah (2004), The International Law on Foreign Investment, Second Edition, Cambridge University Press.
 - 11- Mabadi, Amir Hossein, (2008), "Legal Strategies In Upstream oil and Gas Contracts To Attract Foreign Investment: Iran's Case", M.Sc Thesis, International Trade Law, Shahid Beheshti University.
 - 12- Mommer, Bernard (2003), Global Oil and the Nation State, Oxford: Oxford University Press.
- Owen L. Anderson and others (2004), Hemingway Oil and Law and Taxation, Forth edition, Thomason.

Archive of SID